

مُرورِ مُتَوَسِّطَةُ أَوَّلِ

دقت کنید که برخی مطالب را که شما در کتاب‌های متوسطه دوم دارید، در مبحث مرور متوسطه اول نیآورده‌ایم و در همان مبحث متوسطه دوم بررسی کرده‌ایم که عبارتند از:

(موضوع و صفت ← ترکیبات وصفی اضافی) / (شناخت عدد، ساعت، روز، ماه و سال ← عدد و معدود) / (امر ثلاثی مزید ← ثلاثی مجرد و مزید) / (فعل مستقبل ← اعراب فعل مضارع) / (فعل نفی و نهی ← اعراب فعل مضارع)

شناخت انواع کلمه

گفتار
۱

۱ فعل

معنای انجام شدن کاری و یا روی دادن حالتی را در زمان مشخص دارد و دارای شخص (صیغه) است.

• **طَلَّبَ «خواست» - تکتببن «می نویسی» - اجْعَلْ «قرار بده» ...**

اشتباهات متداول

وزن «فعل» می‌تواند «فعل ماضی» یا «مصدر» باشد، که باید از معنی تشخیص دهید:

طَلَّبَ اللهُ مِنَ الْإِنْسَانِ عِبَادَتَهُ!
در اینجا با توجه به معنی: «خدا از انسان عبادتش را خواست.»؛ «طَلَّبَ» فعل است.

طَلَّبِي مِنَ أَبِي خَمْسُونَ مِليوناً!
با توجه به معنی: «طلب من از پدرم، پنجاه میلیون است.»؛ «طَلَّبَ» مصدر است.

۲ اسم

معنای کاملی دارد و بر «فرد / شیء و ...» دلالت می‌کند، ولی «زمان» ندارد.

• مکتبة «کتابخانه» - مَطَرٌ «باران» ...

انواع اسم‌ها:

- ۱ همه «ضمایر» ← هو - هما - هم - ك - كما - کم ...
- ۲ اسامی اشاره ← هذا - هذه - هؤلاء - أولئك ...
- ۳ کلمات پرسشی به جز «هل / أ» ← أين - متى - كيف - من - ما ...
- ۴ تمامی مصدرهای ثلاثی مجرد و مزید ← صَبْرٌ - تقدیم - مُجَاهِدَةٌ ...
- ۵ تمامی کلماتی که «ال / ة / تنوین» دارند ← المسلمة - تلميذاً ...
- ۶ قیدهای مکان و زمان ← عند - قبل - بعد - بين - أمام ...
- ۷ هر کلمه سه حرفی که وسط آن «ه» باشد ← عِلْمٌ - دَرْسٌ - جَهْلٌ ...
- ۸ کلماتی که پس از حروف «ندا» قرار گیرند. ← يا علي - يا حسين ...
- ۹ کلماتی که پس از «حروف جز / حروف قسم» قرار گیرند ← في المدرسة - والله

۳ حروف

به تنهایی معنای کاملی ندارند، بین «اسم‌ها» و «فعل‌ها» ارتباط برقرار می‌کنند و برای تکمیل جمله استفاده می‌شوند.

تمامی مصادر فعل‌های ثلاثی مزید نیز «اسم» هستند، پس آنها را با فعل اشتباه نگیرید. آن‌ها را برای شما یادآوری می‌کنیم:

مفاعلة - إفعال - افتعال - انفعال - استفعال - تفاعل - تفعل - تفعیل



تستولوژی

- عین العبارة التي عدد أسمائها أكثر من الباقي:

- ۱) حاولت تلميذاتي المجذبات في تعلم دروسهن!
- ۲) شاهدت الطيور قد جلست جنب بركة صغيرة!
- ۳) السلام علينا و على عباد الله الصالحين!
- ۴) النعم السماوية تنزل من السماوات إلى الأرض!

پاسخ ۱ «حاولت» به «تلميذات» برمی‌گردد و در نتیجه «حاولت» می‌باشد و «ت» انتهای آن نشانه مؤنث بوده و جزء فعل است و ضمیر نیست. «تعلم» نیز مصدر و اسم است.

حاولت تلميذاتي المجذبات في تعلم دروسهن ← «۶»
فعل حرف

در سایر گزینه‌ها تعداد اسامی کمتر است:

۲) «ت» ضمیر و مربوط به متکلم وحده است ولی «ت» در «جلست» که به «الطيور: جمع غيرعاقل: مفرد مؤنث» برمی‌گردد، ضمیر نبوده و نشانه مؤنث بودن است:

شاهدت الطيور قد جلست جنب بركة صغيرة ← «۵»
فعل حرف

۳) السلام علينا و على عباد الله الصالحين ← «۵»
ح حرف

۴) النعم السماوية هي تنزل من السماوات إلى الأرض ← «۵»
فعل حرف
«من» معنی «از» می‌دهد و از حروف جر است.

انواع حروف:

- ۱ حروف عطف ← و - ف - ثم ...
- ۲ حروف جر ← في - إلى - من - ل - ب - على ...
- ۳ حروف ناصبه ← أن - لن - كي - حتي - ل
- ۴ حروف شرط و جازمه ← إن - لم - لا «نهی» - ل «جازمه»
- ۵ حروف مشبهة بالفعل ← إنَّ - أُنَّ - كأنَّ - لكنَّ - لعلَّ - ليت
- ۶ حروف استفهام ← أ - هل - أين ...
- ۷ سایر حروف: إلا - إنما - قد - نس - سوف و...

اشتباهات متداول

«من» می‌تواند «مَنْ» باشد که معنی «از» می‌دهد و جزء «حروف جر» است، ولی «مَنْ» می‌تواند «اسم شرط»، «اسم موصول» یا «اسم استفهام» باشد که در آن صورت «اسم» محسوب می‌شود.



اشتباهات متداول

جلوتر می‌خوانیم که در انتهای «۴» صیغه فعل ماضی «ت» ظاهر می‌شود که عبارتند از: ت: للغائبه / ت: للمخاطب / ت: للمخاطبة / ت: للمتکلم وحده» که در حالت‌های «ت / ت / ت» ضمیر است و جزء «اسم» به شمار می‌رود، ولی در حالت «ت» نشانه مؤنث بودن است و جزء فعل می‌باشد و اسم محسوب نمی‌شود.

شناخت جنس اسم

گفتار ۲

اسم مؤنث به اقسام زیر تقسیم می‌شود:

- ۱) مؤنث حقیقی: اسمی است که برنام یا صفت انسان و یا حیوان ماده دلالت می‌کند؛ و مخصوص جانداران است. مانند ← المعلمة، الأخت، الغزالة و...
- ۲) مؤنث مجازی: اسمی است که بر جنس ماده دلالت نمی‌کند و مخصوص غیرجانداران است، اما قواعد اسم مؤنث در مورد آن به کار می‌رود؛ مانند ← الشمس، المنضدة، المدرسة، الشجرة و...

نشانه‌های مؤنث مجازی

- ۱ تاء مربوطه «ة»؛ مانند ← المدرسة / الشجرة
- ۲ الف ممدوده «اء»؛ مانند ← زهراء / صحراء / زرقاء ...

اشتباهات متداول

البته همیشه اینطور نیست که هر کلمه‌ای در انتهایش «اء» باشد، مؤنث باشد؛ زیرا ممکن است این «اء» جزء ریشه کلمه باشد و برای تشخیص این‌ها، هر گاه قبل از الف ممدوده سه حرف یا بیشتر بیاید، زائد است و کلمه «مؤنث» محسوب می‌شود، ولی اگر کمتر از آن باشد، جزء ریشه کلمه بوده و نشانه مؤنث بودن نیست.

جنس اسم در عربی به «مذکر» و «مؤنث» دسته‌بندی می‌شود که در اینجا قصد داریم آنها را بشناسیم:

البته در کنکور، نوع مؤنث یا مذکر را از شما نمی‌پرسند، ولی دانستن آن باعث همیشه بهتر حفظ کنید.

مذکر: اسمی است که بر جنس «نر» دلالت دارد؛ مانند ← محمد، محمود، الثور (گاو نر).

اسم مذکر بر دو نوع است:

۱) **مذکر حقیقی:** اسمی است که برنام یا صفت انسان و یا حیوان نر دلالت می‌کند، و مخصوص جانداران است. مانند ← محمد، علي، حسن، الثور (گاو نر) و...

۲) **مذکر مجازی:** اسمی است که بر جنس نر دلالت نمی‌کند و مخصوص غیرجاندار است اما قواعد اسم مذکر در مورد آن به کار می‌رود؛ مانند ← القلم، الباب، الكتاب، الدفتر و ...

مؤنث: اسمی است که بر جنس «ماده» دلالت دارد؛ مانند ← خديجة، فاطمة، البقرة، الدجاجة.

• خَضْرَاءُ

قبل از آن سه حرف وجود دارد، پس نشانه مؤنث بودن است.

• شَفَاءٌ

قبل از آن دو حرف وجود دارد، پس نشانه مؤنث بودن نیست.
- معمولاً جمع مکسری که انتهایش «اء / ی / ة» باشد، «مذکر» است.
«شُعراء مفرد ← شاعر» / «أطبَّاء مفرد ← طبیب» / «قُضاة مفرد ← قاضی» / «مرضى مفرد ← مریض»

- کلماتی مانند «اجراء / انحاء / اختفاء / استشفاء...» که به ترتیب باب‌های «افعال / انفعال / افتعال / استفعال» هستند، مذکر محسوب می‌شوند، چون الف آنها مربوط به وزن و باب آنها است.

۳ الف مقصوره «ئ، ا»؛ مانند ← کِبْرَى / صُغْرَى / دُنْيَا

۴ بیشتر اعضای زوج بدن؛ مانند ← یَد / رِجْل / عَيْن / أُذُن / قَدَم

نکته | البته در میان اعضای زوج بدن «حاجب: ابرو» / «خَد: گونه» و «مرفق: آرنج» مؤنث نیستند و مذکر به‌شمار می‌آیند.

۵ اسم «شهرها / کشورها»؛ مانند ← ایران / طهران ...

۶ اسم‌های بدون قاعده مهم ← (الأرض: زمین) - (الشمس: خورشید) - (التار: آتش) - (الدار: خانه) - (التفس: جان) - (الحرب: جنگ) - (البئر: چاه) - (فأس: تبر) - (ريح: باد) - (عصاً: چوبدستی) - (سنن: دندان) - (سوق: بازار) و ...

۷ جمع غیرعاقل: «عصافیر: گنجشک‌ها» - «ریاح: باده‌ها»

۸ باده‌ها و جهت‌ها: صبا - شمال - جنوب ...

۹ اسم‌های مخصوص مؤنث: الأخت - البنت - النساء - الأم...

✘ اشتباهات متداول

ملاک «مذکر» یا «مؤنث» بودن کلمات، صورت «مفرد» کلمه است، پس برای تشخیص «مذکر» یا «مؤنث» بودن، باید به «مفرد» کلمه دقت کنید:

• فُقهاء مفرد ← فقیه (مذکر)

• أطباء مفرد ← طبیب (مذکر)

• المدارس مفرد ← المدرسة (مؤنث)

• الجُزر مفرد ← الجزيرة (مؤنث)

• الطَّلِبَة مفرد ← الطالب (مذکر)

• إخوة مفرد ← أخ (مذکر)

• أشعَّة مفرد ← شعاع (مذکر)

• صحابة مفرد ← صحابي (مذکر)

- اسم‌هایی که بر وزن «فَعَل» باشند، حتماً جمع مکسر هستند و برای به‌دست آوردن مفرد آنها، به آخرشان «ة» اضافه می‌کنیم:

«فَتَن مفرد ← فتنة» / «نَعَم مفرد ← نعمة» / «نَقَم مفرد ← نقمة»

«قَطَع مفرد ← قطعة» / «فَرَق مفرد ← فرقة» / «قِيم مفرد ← قيمة»

نکته | برخی اسامی مثل «روح / سبیل / طریق / سلاح / عقاب / جحیم /

عقرب / عنكبوت / قمیص / فردوس» هم مذکر و هم مؤنث هستند.

- اسم مبالغه‌ای را که بر وزن «فَعَالَة» باشد، هم می‌توانیم برای «مذکر» و هم برای «مؤنث» به کار ببریم.

• رجُلٌ عَلَامة مرد بسیار دانا

• إمرأة عَلَامة زن بسیار دانا

تست‌ولوژی

- کم‌اسماً مؤنثاً جاء في هذه العبارة؟ «إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا كَبِيرٌ إِذَا وَقَعَ الْإِنْسَانُ فِيهَا لَنْ يَنْجُو مِنْهَا»

(۱) إثنان (۲) ثلاثة (۳) أربعة (۴) خمسة

پاسخ ۲ «هذه» اسم اشاره برای «مؤنث»، «الدُّنْيَا» بر وزن «فُعَلَى» و «كَبِيرٌ» اسم‌های مؤنث هستند.

«الإنسان» اسم مذکر است. ضمیر را در بحث مذکر و مؤنث به‌شمار نمی‌آوریم.

إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا كَبِيرٌ إِذَا وَقَعَ الْإِنْسَانُ فِيهَا لَنْ يَنْجُو مِنْهَا
حرف مؤنث اسم حرف مؤنث اسم حرف فعل اسم حرف فعل حرف مؤنث اسم حرف مؤنث

شناخت عدد اسم

۱ مذکر سالم

اسمی است که بر بیش از دو نفر دلالت می‌کند و دارای دو علامت «وَن» و «يَن» است.

• معلَمون: معلّم‌ها

• صادقين: انسان‌های راستگو (راستگويان)

✘ اشتباهات متداول

«ين» بین «مثنی» و «جمع مذکر سالم» مشترک است، اگر «ين»، «کسره: ي» داشته باشد، یعنی «يَن» باشد، «مثنی» و اگر «يَن»، «فتحه: َ» داشته باشد، یعنی «يَن» باشد، «جمع مذکر سالم» است.

• كان المؤمنون صادقين في أقوالهم!

اعراب «ين» را نداریم، ولی از روی «المؤمنون / هم» می‌فهمیم که برای «جمع مذکر» بوده و «صادقين» است.

۱ مفرد

اسمی است که بر یک فرد «شخص / حیوان / شيء...» دلالت دارد؛ «کتاب / جمیل / ورده...»

۲ مثنی

اسمی است که بر دو فرد «شيء / حیوان / شخص...» دلالت می‌کند و دارای دو علامت «ان» و «ين» است.

• طالبان: دو دانش‌آموز

• کتابين: دو کتاب

۳ جمع

۱ مذکر سالم ۲ مؤنث سالم ۳ مکسر

**اشتباهات متداول**

کلماتی مثل «دوران: چرخیدن» / «احسان: نیکی کردن» / «أبدان: بدن‌ها» / «ألوان: رنگ‌ها» / «إخوان: برادران» / «أديان: دین‌ها» / «غزلان: آهوها» / «أسنان: دندان‌ها» / «جيران: همسایه‌ها» / «طيران: پرواز» / «غضبان: خشمگین» / «عطشان: تشنه» / «كسلان: تنبل» / «جوعان: گرسنه» / «شجعان: شجاع» / «غفران: بخشش» / «حيران: سرگردان» / «طغیان: جریان» / «شیطان» / «سليمان» / «شعبان» / «رمضان» / «عثمان» / «ایمان» با اینکه در انتهای خود «ان» دارند، ولی «مثنی» نیستند و برای اینکه تشخیص دهید، باید «ان» را حذف کنید که اگر «مفرد» آن به دست آمد «مثنی» و اگر مفرد آن به دست نیامد، «جمع مکسر» یا اسم مفرد است.

ألوان

اگر «ان» را حذف کنیم، «ألو» می‌ماند که مفرد کلمه نیست و مفرد آن «لون» است، پس «جمع مکسر» می‌باشد.

جيران

اگر «ان» را حذف کنیم، «جیر» می‌ماند که مفرد کلمه نیست و مفرد آن «جار» است، پس «جمع مکسر» می‌باشد.

غزلان

اگر «ان» را حذف کنیم، «غزل» باقی می‌ماند که مفرد کلمه نیست و مفرد آن «غزال» است، پس «جمع مکسر» می‌باشد.

اشتباهات متداول

کلماتی مثل «أبيات: بیت‌ها» / «أصوات: صداها» / «أوقات: وقت‌ها» / «أموات: مرده‌ها» / «نبات: گیاه» / «ممات: مردن» / «إثبات: ثابت کردن»؛ با اینکه در انتهای خود «ات» دارند، ولی هیچ‌کدام «جمع مؤنث» نیستند، برای اینکه تشخیص دهید، کافی است که «ات» را حذف کنید و اگر «مفرد» کلمه به دست آید، «جمع مؤنث سالم» و اگر «مفرد» کلمه به دست نیاید، «جمع مکسر» یا مفرد است.

أصوات

اگر «ات» را حذف کنیم، «أصو» باقی می‌ماند که «مفرد» آن نیست؛ چرا که مفرد «أصوات»، «صوت» است و در نتیجه «جمع مکسر» است.

کلمات «بنات / أخوات / أمهات / سنوات / أدوات / سماوات» به ترتیب جمع مؤنث سالم از «بنت / أخت / أم / سنة / أداة / سماء» هستند.

اشتباهات متداول

کلماتی مثل «قوانین: قانون‌ها» / «سلاطين: سلطان‌ها» / «شياطين: شیطان‌ها» / «ميادين: میدان‌ها» / «بساتين: بستان‌ها» / «مساكين: مسکین‌ها» / «تمارين: تمرین‌ها» / «عناوين: عنوان‌ها» / «فساتين: پیراهن‌ها» / «مجانين: دیوانه‌ها» / «رياحين: بادها» / «دهاقين: کشاورزان» / «موازين: ترازوها» با اینکه در انتهای خود «ین» دارند، ولی هیچ‌کدام «مثنی» یا «جمع مذکر سالم» نیستند و برای اینکه تشخیص دهید، «ین» را حذف کنید، اگر «مفرد» آن کلمه به دست آید «مثنی / جمع» است، ولی اگر «مفرد» آن کلمه به دست نیاید، «جمع مکسر» یا مفرد است.

نکته | اسامی «مثنی / جمع مذکر سالم» هرگاه مضاف واقع شوند، «ن» انتهای آنها حذف می‌شود.

معلمین + ه حذف (ن) ← معلمیه

مؤنث سالم

دارای علامت «ات» است.

• جنات: بهشت‌ها

• معلمات: معلم‌ها

نکته | اگر اسمی به «ة» ختم شده باشد، برای جمع بستن آن ابتدا «ة» را حذف، سپس به آن «ات» اضافه می‌کنیم.

• الطالبات ← حذف (ة) / اضافه کردن (ات)

- اگر اسم مؤنث در انتهایش «اء» باشد، هنگام تبدیل شدن به «مثنی / جمع»، «ء» به «و» تبدیل می‌شود.

• خضراء ← حذف (و) / اضافه کردن (ان)

مكسر

«مكسر» در لغت به معنی «شکسته شده» است، یعنی شکل مفرد کلمه تغییر می‌کند و در هم می‌شکند و قاعده خاصی در ساختن آن وجود ندارد، به عبارت دیگر سماعی است (یعنی هر چه که آن را شنیده‌ایم)؛ مانند:

• العزیز ← جمع مکسر الأعرَاء

• المسجِد ← جمع مکسر المساجِد

• التلميذ ← جمع مکسر التلاميذ

• الرّجل ← جمع مکسر الرّجال

• الكتاب ← جمع مکسر الكُتُب

نکته | برخی از اسامی در عربی، بیش از یک جمع مکسر دارند.

طالب ← جمع مکسر طُلاب / طَلَبَة

عُصْن ← جمع مکسر أَعْصان / عُصون

برخی جمع‌های مکسر هم‌ریشه هستند و بسیاری از دانش‌آموزان آن‌ها را با هم اشتباه می‌کنند، که الآن قصد داریم برای شما جمع بندی کنیم.

أخطاء ← مفرد خطأ / خطايا ← مفرد خطيئة «گناه»

أنفاس ← مفرد نفَس / نفوس، أنفُس ← مفرد نفَس «جان»

أمراض ← مفرد مَرَض / مرضى ← مفرد مريض

أذنان ← مفرد ذَنْب «دم» / ذُنوب ← مفرد ذَنْب «گناه»

رجال ← مفرد رَجُل «مرد» / أرْجُل ← مفرد رِجْل «پا»

سُنَن ← مفرد سُنَّة «رسم» / سنوات، سنون، سنين ← مفرد سَنَة «سال»

أعمال ← مفرد عَمَل «کار» / عملاء ← مفرد عميل «مزدور» / عمال ← مفرد عامل «کارگر» / حکماء ← مفرد حکيم «دانشمند» / حُكَّام ← مفرد حاكم «فرمانروا» / حِکَم ← مفرد حکمة «پند» / أحكام ← مفرد حُکْم «داوری» / محاکم ← مفرد مَحکَمَة «دادگاه»

بیشتر جمع‌های مکسر سماعی هستند، در حوزه کتاب درسی شما به موارد زیر اشاره می‌کنیم:

1. فُعَال: کُفَّار / کافر / تُجَّار «تاجر» / طُلاب «طالب»

2. فَعَلَة: طَلَبَة «طالب» / خَدَمَة «خادم» / وَرَثَة «وارث»

3. فُعَلَاء: زُمَلاء «زمیل» / فُضلاء «فاضل» / حُکماء «حکیم»

4. أَفَاعِل: أَفْضال «افضل» / أَكْابِر «أكبر»

5. مَفَاعِل: مَجالِس «مجلس» / مَخازِن «مخزن» / مَزَارِع «مزرعة»

قوانین

اگر «ین» را حذف کنید، «قوان» می ماند که مفرد «قوانین» نیست و مفرد آن «قانون» است، پس «جمع مکسر» است. کلمات «عیون: چشم‌ها» / «سجون: زندان‌ها» با اینکه در انتهای خود «ون» دارند، ولی جمع مذکر سالم نیستند، بلکه جمع مکسرند.

نکته

أخ «برادر» - **مثنی** ← أخوان - أخوین

أخ «برادر» - **جمع مکسر** ← إخوان - إخوة

أخت «خواهر» - **مؤنث سالم** ← أخوات

و نتیجه می گیریم که:

أخوان + ی ← أخوای «دو برادرم» [نون در مضاف حذف می شود].

إخوان + ی ← إخوانی «برادراهم»

تستولوژی

- عین جمعاً سالماً للمذکر:

۱) یطلب المؤمنون العافیة من الله تعالی فقط!

۲) ترید الشیاطین أسر الإنسان و تبعیته لها!

۳) میادین القتال لا تنسی شجاعة الشباب!

۴) کان الإمام یساعد المساکین فی جمیع الأحوال!

پاسخ ۱ «المؤمنون» انتهایش «ون» دارد و جمع مذکر سالم است.

بررسی سایر گزینه‌ها

۲) اگر «ین» را از «الشیاطین» حذف کنیم، «الشیاط» باقی می ماند که مفرد آن نیست و مفرد آن «الشیطان» است؛ پس «جمع مکسر» می باشد.

۳) اگر «ین» را از «میادین» حذف کنیم، «مید» باقی می ماند که مفرد آن نیست و مفرد آن «میدان» است؛ پس «جمع مکسر» می باشد.

۴) اگر «ین» را از «مساکین» حذف کنیم، «المساک» باقی می ماند که مفرد آن نیست و مفرد آن «المسکین» می باشد؛ پس «جمع مکسر» است.

- عین العیارة التي تتوَّع أسماء الجمع فيها أكثر:

۱) تفتح أبواب رحمة الله بمفاتيح الدعاء بيد المؤمنین دائماً!

۲) ألّف المسلمون رسائل و كتباً عديدة في المجالات الفكرية!

۳) إن مناظر إيران الطبیعیة من أمثال الغابات والمساجد جميلة جداً!

۴) مسجد الأقصى من أهم المساجد في الإسلام و هو قبلة المسلمین!

پاسخ ۲ «المسلمون» مذکر سالم، «المجالات» مؤنث سالم و «رسائل / كتباً» مکسر هستند، پس تمام انواع جمع در این عبارت آمده است.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱) «المؤمنین» مذکر سالم و «أبواب / مفاتيح» مکسر هستند، ولی «مؤنث سالم» نداریم.

۳) «الغابات» مؤنث سالم و «مناظر / أمثال / المساجد» مکسر هستند، ولی «مذکر سالم» نداریم.

۴) «المساجد» مکسر و «المسلمین» مذکر سالم است، ولی «مؤنث سالم» نداریم.

شناخت و تشخیص فعل ماضی

گفتار ۱۴

فعل ماضی

بر انجام کار یا پدید آمدن حالتی در زمان گذشته دلالت دارد:

مانند: ذهب ← رفت کَتَبَ ← نوشت

چهارده صیغه دارد: شش صیغه برای «غایب»، شش صیغه برای «مخاطب» و دو صیغه برای «متکلم»

فرمول کلی ساختن صیغه‌های فعل «ماضی» به صورت «ریشه فعل + ضمایر متصل مرفوعی» است.

ذهب + ا ← ذهبا

مثال	وزن	شناسه	ضمیر	نام عربی	صیغه فعل
ذهبتم	فَعَلْتُمْ	تم	أنتم	للمخاطبین	جمع مذکر مخاطب
ذهبت	فَعَلْتِ	ت	أنتِ	للمخاطبة	مفرد مؤنث مخاطب
ذهبتما	فَعَلْتُما	تما	أنتما	للمخاطبتین	مثنی مؤنث مخاطب
ذهبئِنَّ	فَعَلْتُنَّ	ئِنَّ	أنتنَّ	للمخاطبات	جمع مؤنث مخاطب
ذهبْتُ	فَعَلْتُ	تُ	أنا	للمتکلم وحده	متکلم وحده
ذهبنا	فَعَلْنَا	نا	نحن	للمتکلم مع الغير	متکلم مع الغير

نکته | فعل برای «جمع غیر عاقل» صیغه «للاغائبه» می آید؛ چرا که حکم مفرد مؤنث را دارد.

• **عصفت الرياح**

چون «الرياح» جمع غیرعاقل است، فعل برای آن از صیغه «للاغائبه» به کار می رود.

اشتباهات متداول

شناسه «ت» در انتهای ۴ صیغه «ماضی» می آید که به ترتیب

«ت: للغائبه» / «ت: للمخاطب» / «ت: للمخاطبة» / «ت: للمتکلم

وحده» هستند.

مثال	وزن	شناسه	ضمیر	نام عربی	صیغه فعل
ذهب	فَعَلَ	-	هو	للاغائب	مفرد مذکر غایب
ذهبا	فَعَلَا	ا	هما	للاغائبین	مثنی مذکر غایب
ذهبوا	فَعَلُوا	وا	هم	للاغائبین	جمع مذکر غایب
ذهبْتِ	فَعَلْتِ	تِ	هي	للاغائبه	مفرد مؤنث غایب
ذهبنا	فَعَلْنَا	نا	هما	للاغائبتین	مثنی مؤنث غایب
ذهبِنَّ	فَعَلْنَّ	نَّ	هنَّ	للاغائبات	جمع مؤنث غایب
ذهبْتُ	فَعَلْتُ	تُ	أنتِ	للمخاطب	مفرد مذکر مخاطب
ذهبتما	فَعَلْتُما	تما	أنتما	للمخاطبتین	مثنی مذکر مخاطب



تستولوژی

- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي اسْتِخْدَامِ الْأَفْعَالِ:

- (۱) في ابتداء العام الدراسي فَقدتِ التلميذة والدتها!
- (۲) أَيْتَهَا النَّسَاءَ لِمَاذَا ذَهَبْنَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟
- (۳) هَذَا مَا قَدَرْنَا عَلَى طَبْخِ الطَّعَامِ!
- (۴) هِيَ بَحْنَتْ عَن طَرِيقِ لِحْلِ هَذِهِ الْمَشْكَلَةِ!

پاسخ ۱ از روی «التلميذة» می فهمیم فعل برای «للغائبة» می باشد، پس «ت» درست است، ولی چون «ت» به «ال» رسیده است و قابل خواندن نیست، «ت» به «ب» تبدیل می شود و «فقدت» درست است.

بررسی سایر گزینه ها

- (۲) از روی «أيتها النساء» می فهمیم فعل برای «للمخاطبات» است، پس «ذهبتن» درست است و درست آن «ذهبتن» می باشد.
- (۳) «هذان» مربوط به «للغائبين» است، پس «قدرتا» نادرست می باشد و درست آن «قدرا» است.
- (۴) از روی «هي» می فهمیم که فعل برای «للغائبة» است، پس «ب» نادرست و «بحنت» درست می باشد.

• ذَهَبْتُ الطَّالِبَةَ إِلَى الْبَيْتِ.

از «الطالبة» مشخص می شود که صیغه «للغائبة» است، در نتیجه «ت» و «ذهبت» داریم.

• أَيُّهَا الطَّالِبُ، لِمَاذَا ذَهَبْتَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟

از «أيتها الطالب» می فهمیم که صیغه «للمخاطب» است، پس «ت» و «ذهبت» داریم.

• يَا أُخْتِي، لِمَاذَا ذَهَبْتَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟

از «يا أختي» می فهمیم که صیغه «للمخاطبة» است پس «ت» و «ذهبت» داریم.

• أَنَا ذَهَبْتُ إِلَى مَنْطِقَةِ الْعَدُوِّ.

از «أنا» می فهمیم صیغه «متکلم وحده» است، پس «ت» و «ذهبت» داریم.

اشتباهات متداول

شناسه «تما» در انتهای دو صیغه «للمخاطبين» و «للمخاطبتين» می آید، پس فعل در این دو صیغه کاملاً شبیه به هم و بر وزن «فَعَلْتُمَا» هستند، ولی حواستان باشد که صیغه های «للغائبين» و «للغائبتين» با هم فرق دارند و به ترتیب بر وزن «فَعَلْنَا» و «فَعَلْتَنَا» می آیند.

للمخاطبين - للمخاطبتين	للغائبين	للغائبتين
فَعَلْتُمَا	فَعَلْنَا	فَعَلْتَنَا

گفتار

۵

شناخت و تشخیص فعل مضارع

فعل مضارع

برانجام کار یا پدید آمدن حالتی در زمان «حال» یا «آینده» دلالت می کند؛ مانند:

• يَذْهَبُ ← می رود • يَكْتُبُ ← می نویسد

با افزودن چهار حرف (ا، ت، ی، ن = آتین) به ابتدای فعل ماضی ساخته می شود.

چهارده صیغه دارد: شش صیغه برای «غایب»، شش صیغه برای «مخاطب» و دو صیغه برای «متکلم».

فرمول کلی ساخت فعل مضارع به صورت [«أ - ت - ی - ن» + ریشه فعل + ضمایر متصل مرفوعی + «ن / ن»] است.

ت + ذهَب + و + ن ← تذهبون

صیغه فعل	نام عربی	ضمیر	شناسه	مثال	وزن
مثنی مذکر مخاطب	للمخاطبين	أنتما	ان	تذهبان	تفعلمان
جمع مذکر مخاطب	للمخاطبين	أنتم	ون	تذهبون	تفعلون
مفرد مؤنث مخاطب	للمخاطبة	أنتِ	ین	تذهبین	تفعلین
مثنی مؤنث مخاطب	للمخاطبتين	أنتما	ان	تذهبان	تفعلمان
جمع مؤنث مخاطب	للمخاطبات	أنتنَّ	ن	تذهبنَّ	تفعلنَّ
متکلم وحده	للمتکلم الوحدة	أنا	-	أذهبُ	أفعلُ
متکلم مع الغير	للمتکلم مع الغير	نحن	-	نذهبُ	نُفعلُ

اشتباهات متداول

فعل مضارع درسه صیغه «للغائبين»، «للمخاطبين» و «للمخاطبتين»

کاملاً شبیه به هم هستند و بر وزن «تفعلمان» می آیند.

• فاطمة و حسنی تذهبان إلى المدرسة!

«فاطمة و حسنی» در واقع «للغائبتين» است و فعل «تذهبان» برای آن به کار رفته است.

• یا طالبان، لماذا تذهبان إلى المدرسة؟

«یا طالبان» معادل «للمخاطبين» است و فعل «تذهبان» برای آن به کار رفته است.

صیغه فعل	نام عربی	ضمیر	شناسه	مثال	وزن
مفرد مذکر غایب	للغائب	هو	-	یذهبُ	یفعلُ
مثنی مذکر غایب	للغائبين	هما	ان	یذهبان	یفعلان
جمع مذکر غایب	للغائبين	هم	ون	یذهبون	یفعلون
مفرد مؤنث غایب	للغائبة	هي	-	تذهبُ	تفعلُ
مثنی مؤنث غایب	للغائبتين	هما	ان	تذهبان	تفعلمان
جمع مؤنث غایب	للغائبات	هنَّ	ن	یذهبنَّ	یفعلنَّ
مفرد مذکر مخاطب	للمخاطب	أنت	-	تذهبُ	تفعلُ

• یا طالبتان، لماذا تذهبان إلى المدرسة؟
«یا طالبتان» معادل «للمخاطبتين» است و فعل «تذهبان» برای آن به کار رفته است.

اشتباهات متداول

فعل مضارع در دو صیغه «لِلغائِبَةِ» و «لِلْمَخاطِبِ» کاملاً شبیه به هم هستند و بر وزن «تَفَعَّلُ» می‌آیند.
• هي طالبة تذهب إلى المدرسة!
«طالبة» معادل «لِلغائِبَةِ» بوده و فعل «تذهب» برای آن به کار رفته است.
• أيها الطالب هل تذهب إلى المدرسة؟
«أيها الطالب» برای «لِلْمَخاطِبِ» می‌باشد و فعل «تذهب» برای آن به کار رفته است.

اشتباهات متداول

فعل در صیغه‌های «لِلغائِبَاتِ» و «لِلْمَخاطِبَاتِ» شبیه به هم بوده و فقط در «ی» و «ت» ابتدایشان با هم متفاوت هستند.
لِلغائِبَاتِ ← يَفْعَلْنَ
لِلْمَخاطِبَاتِ ← تَفْعَلْنَ

تست‌نوژی

- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي صِيغَةِ الْفِعْلِ:

- ۱) فِي الْكائِنَاتِ أَسْرَارٌ لَا نَعْلَمُهَا إِلَّا بَعْضُهَا!
- ۲) الْمَعْلَمَاتُ تُشَجِّعْنَ التِّلْمِيذَاتِ لِتَقَدِّمَهُنَّ فِي الْعِلْمِ!
- ۳) يَسْتَطِيعُونَ الْمُقَاتِلُونَ الْمَقَاوِمَةَ أَمَامَ الْأَعْدَاءِ حَيًّا لِلَّهِ!
- ۴) عِنْدَمَا تُعَاهِدِينَ صَدِيقَتَكَ فَاعْمَلِي بِمَا تَعَاهِدِينَ!

پاسخ ۱ «لَا نَعْلَمُهَا» فعل مضارع «مِتَكَلَّمُ مَعَ الْغَيْرِ» است و صحیح می‌باشد: «در موجودات، رازهایی وجود دارد که ما فقط بعضی از آنها را می‌دانیم.»

بررسی سایر گزینه‌ها

- ۲) «الْمَعْلَمَاتُ» حالت خطابى ندارد، یعنی برای «لِلغائِبَاتِ» است و برای آن فعل به صورت «يُسَجِّعْنَ» صحیح می‌باشد.
- ۳) فعل اول جمله به صورت «مفرد» یعنی «يَسْتَطِيعُ» درست است.
- ۴) فعل «تُعَاهِدِينَ» برای «لِلْمَخاطِبَةِ» است، پس «فَاعْمَلْنَ بِمَا تُعَاهِدْنَ» نادرست می‌باشد چرا که برای «لِلْمَخاطِبَاتِ» است و درست آن می‌شود: «فَاعْمَلِي بِمَا تُعَاهِدِينَ»

- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي صِيغَةِ الْفِعْلِ:

- ۱) طابلات المدرسة سوف تذهبنَ لسفرة علمية!
 - ۲) المقاتلان يُدافعان عن الوطن الإسلامي!
 - ۳) هذان الرجلان يغسلان سيارتهما في الساحة!
 - ۴) يا تلميذان، إن لا يحاولا في واجباتكما، يرسبا في النهاية السنة!
- پاسخ ۳ «هذان» مربوط به «لِلغائِبِينَ» بوده و «يغسلان» درست است.

بررسی سایر گزینه‌ها

- ۱) «طالبات» حالت خطابى ندارد؛ یعنی برای «لِلغائِبَاتِ» است و درست آن «يُذْهِبْنَ» می‌باشد.
- ۲) «المقاتلان» برای «لِلغائِبِينَ» است؛ پس «يُدافعان» برای آن درست می‌باشد.
- ۴) چون گفته شده «يا تلميذان»؛ یعنی «تلميذان» مورد خطاب قرار گرفته است و برای «لِلْمَخاطِبِينَ» است؛ در نتیجه «تُحاولا / ترسبا» درست می‌باشد.

- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي صِيَاغَةِ الْمُضارعِ:

- ۱) كَتَبْتُمْ: يَكْتُبُونَ
- ۲) نَزَلْنَ: تَنْزِلْنَ
- ۳) جَعَلْتُ: تَجْعَلِينَ
- ۴) فَهَمَّتَا: تَفْهَمَانِ

پاسخ ۴

بررسی سایر گزینه‌ها

- ۱) «كَتَبْتُمْ: لِلْمَخاطِبِينَ» مضارع ← تَكْتُبُونَ
- ۲) «نَزَلْنَ: لِلغائِبَاتِ» مضارع ← يَنْزِلْنَ
- ۳) «جَعَلْتُ: لِلْمِتَكَلَّمِ وَحْدَهُ» مضارع ← أَجْعَلُ

منفصل مرفوعی

این ضمایر به کلمات متصل نمی‌گردند و در جمله غالباً نقش «مبتدا» دارند.
این ضمایر عبارتند از: «هُوَ / هِما / هم / هي / هما / هُنَّ / أَنْتَ / أَنْتِما / أَنْتُمْ / أَنْتِ / أَنْتِما / أَنْتُنَّ / أَنَا / نَحْنُ»

حواست باشه!

ضمیر «أنا» هم برای اسم مفرد مذکور هم برای اسم مفرد مؤنث و به عبارتی برای دو صیغه «لِلغائِبِ / لِلغائِبَةِ» می‌تواند به کار رود.
ضمیر «نحن» هم برای صیغه‌های «لِلغائِبِينَ / لِلغائِبَتَيْنِ / لِلغائِبَتَيْنِ / لِلغائِبَاتِ» می‌تواند به کار رود.

• أنا طالبٌ / أنا طالِبةٌ
لِلطالب لِلطالبة

• نحن طالبان / نحن طالباتان / نحن طالبون / نحن طالباتون
لِلطالبين لِلطالبات لِلطالبين لِلطالبات

منفصل منصوبی

این ضمایر به کلمات متصل نمی‌گردند و همیشه در جملات، نقش «مفعول» دارند.

این ضمایر عبارتند از: «إِيَّاهُ / إِيَّاهِما / إِيَّاهَا / إِيَّاهِما / إِيَّاهُنَّ / إِيَّاكَ / إِيَّاكُم / إِيَّاكِ / إِيَّاكُنَّ / إِيَّايَ / إِيَّانا».



متصل مرفوعی

ضمایری هستند که به فعل‌های ماضی، مضارع و امر متصل می‌شوند و عبارتند از:

صیغه	ماضی	مضارع	امر
لِلغَائِبِ	ذَهَبَ	يَذْهَبُ	لِيَذْهَبْ
لِلغَائِبِينَ	ذَهَبَا	يَذْهَبَانِ	لِيَذْهَبَا
لِلغَائِبِينَ	ذَهَبُوا	يَذْهَبُونَ	لِيَذْهَبُوا
لِلغَائِبَةِ	ذَهَبَتْ	تَذْهَبُ	لِتَذْهَبْ
لِلغَائِبَتَيْنِ	ذَهَبَتَا	تَذْهَبَانِ	لِتَذْهَبَا
لِلغَائِبَاتِ	ذَهَبْنَ	يَذْهَبْنَ	لِيَذْهَبْنَ
لِلْمَخَاطَبِ	ذَهَبْتَ	تَذْهَبُ	اِذْهَبْ
لِلْمَخَاطِبِينَ	ذَهَبْتُمَا	تَذْهَبَانِ	اِذْهَبَا
لِلْمَخَاطِبِينَ	ذَهَبْتُمْ	تَذْهَبُونَ	اِذْهَبُوا
لِلْمَخَاطِبَةِ	ذَهَبْتِ	تَذْهَبِينَ	اِذْهَبِي
لِلْمَخَاطِبَتَيْنِ	ذَهَبْتُمَا	تَذْهَبَانِ	اِذْهَبَا
لِلْمَخَاطِبَاتِ	ذَهَبْتُنَّ	تَذْهَبْنَ	اِذْهَبْنَ
لِلْمَتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	ذَهَبْتُ	أَذْهَبُ	لَأَذْهَبْ
لِلْمَتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	ذَهَبْنَا	نَذْهَبُ	لِنَذْهَبْ

• کتاب‌بیم: کتاب آنها

چون به انتهای اسم «کتاب» متصل شده، نقش «مضاف‌إلیه» دارد.

۳ بعد از حرف جرّ باشند: اگر ضمایر متصل منصوبی مجروری به انتهای

«حرف جرّ» متصل شوند، نقش «مجرور به حرف جرّ» دارند.

• «وَالَّذِينَ جَاهِدُوا فِينَا...»

چون «نا» به انتهای حرف جرّ «فی» اضافه شده، نقش «مجرور به حرف

جرّ» دارد.

اشتباهات متداول

• در بین ضمایر متصل مرفوعی، «هما» بین صیغه‌های «لِلغَائِبِينَ»

و «لِلغَائِبَتَيْنِ» و نیز «أَنْتُمَا» بین صیغه‌های «لِلْمَخَاطِبِينَ» و «لِلْمَخَاطِبَتَيْنِ» مشترک است.

• در بین ضمایر متصل منصوبی، «إِيَّاهُمَا» بین صیغه‌های «لِلغَائِبِينَ» و «لِلغَائِبَتَيْنِ» و «إِيَّاكُمَا» بین صیغه‌های «لِلْمَخَاطِبِينَ» و «لِلْمَخَاطِبَتَيْنِ» مشترک است.

• در بین فعل‌های ماضی ضمیر «تَمَّا» بین صیغه‌های «لِلْمَخَاطِبِينَ» و «لِلْمَخَاطِبَتَيْنِ» مشترک است.

• در انتخاب حرف «ت» در انتهای فعل ماضی اشتباه نکنید؛ چرا که برای «لِلغَائِبَةِ: ت» / «لِلْمَخَاطَبِ: ت» / «لِلْمَخَاطِبَةِ: ت» / «لِلْمَتَكَلِّمِ وَحْدَهُ: ت» است.

• در بین ضمایر متصل منصوبی، «هما» بین صیغه‌های «لِلغَائِبِينَ» و «لِلغَائِبَتَيْنِ» و «کَمَا» بین «لِلْمَخَاطِبَتَيْنِ» و «لِلْمَخَاطِبِينَ» مشترک است.

اشتباهات متداول

قبل از ضمایر صیغه‌های غایب، باید اسمی بیاید که ضمیر به آنها برمی‌گردد و در اصطلاح به آن مرجع ضمیر می‌گویند و آن ضمیر با مرجع خود از هر لحاظ مطابقت می‌کند و اگر مرجع ضمیر، جمع غیرعاقل باشد، ضمیر به صورت صیغه «لِلغَائِبَةِ» می‌آید.

• رأیْتُ متَجَرّاً أَجْناسَهُ رَخيصةً!

«ه» باید با مرجع خود «متَجَرّاً» هماهنگ باشد، بنابراین هر دو صیغه به صورت «لِلغَائِبِ» اند.

• توجَد سيارات سُرعتها كَثيرة!

«ها» باید با مرجع خود «سيارات» جمع غیرعاقل، هماهنگ باشد و هر دو صیغه «لِلغَائِبَةِ» است.

متصل منصوبی مجروری

این ضمایر عبارتند از: «ه» / «هما» / «هم» / «ها» / «هما» / «هنَّ» / «لِک» / «کُما» / «کُم» / «لِک» / «کُما» / «کُنَّ» / «ی» / «نا»

نکته | ضمایر متصل منصوبی مجروری می‌توانند در انتهای «فعل» / اسم / حرف» بیایند که الآن قصد داریم به تفصیل به توضیح آنها بپردازیم:

۱ بعد از فعل باشند: اگر ضمایر متصل منصوبی مجروری به انتهای «فعل» متصل شوند، نقش آنها «مفعول» است.

• کَتَبْتَهُم: آنها را نوشت

چون به انتهای فعل «کَتَبْتُ» متصل شده، نقش «مفعول» دارد.

۲ بعد از اسم باشند: اگر ضمایر متصل منصوبی مجروری به انتهای «اسم» متصل شوند، نقش آنها «مضاف‌إلیه» است.

جمع‌بندی طوری

متصل منصوبی و مجروری	متصل مرفوعی			منفصل منصوبی	منفصل مرفوعی	صیغه
	امر	مضارع	ماضی			
ه	-	-	-	إِيَّاهُ	هُوَ	لِلغَائِبِ
هما	ا	ا	ا	إِيَّاهُمَا	هُمَا	لِلغَائِبَيْنِ
هم	و	و	و	إِيَّاهُم	هُم	لِلغَائِبِينَ
ها	-	-	-	إِيَّاهَا	هِيَ	لِلغَائِبَةِ
هما	ا	ا	ا	إِيَّاهُمَا	هُمَا	لِلغَائِبَتَيْنِ
هنَّ	نَ	نَ	نَ	إِيَّاهُنَّ	هُنَّ	لِلغَائِبَاتِ
لِک	-	-	تَ	إِيَّاكَ	أَنْتَ	لِلْمَخَاطَبِ
کُما	ا	ا	تُمَا	إِيَّاكُمَا	أَنْتُمَا	لِلْمَخَاطِبِينَ
کَم	و	و	تُم	إِيَّاكُم	أَنْتُمْ	لِلْمَخَاطِبِينَ
لِک	ي	ي	تِ	إِيَّاكِ	أَنْتِ	لِلْمَخَاطِبَةِ
کُما	ا	ا	تَمَا	إِيَّاكُمَا	أَنْتُمَا	لِلْمَخَاطِبَتَيْنِ
کُنَّ	نَ	نَ	تُنَّ	إِيَّاكُنَّ	أَنْتُنَّ	لِلْمَخَاطِبَاتِ
لِی	-	-	تُ	إِيَّايَ	أَنَا	لِلْمَتَكَلِّمِ وَحْدَهُ
نا	-	-	نَا	إِيَّانَا	نَحْنُ	لِلْمَتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ

۱ فعل امر

بر طلب انجام یافتن کار یا حالتی دلالت می‌کند و از فعل «مضارع» ساخته می‌شود و بر دو نوع است:

۱ امر مخاطب ۲ امر به لام
۱ امر مخاطب

همان‌طور که از اسمش پیداست، فقط برای صیغه‌های مخاطب؛ یعنی «مفرد مذکر مخاطب / مفرد مؤنث مخاطب / مثنی مذکر مخاطب / مثنی مؤنث مخاطب / جمع مذکر مخاطب / جمع مؤنث مخاطب» به کار می‌رود.

نحوه ساخت امر مخاطب

۱ حذف «ت» از ابتدای فعل «تَذْهَبُ ← ذَهَبُ»

۲ انتهای فعل را مجزوم کنید و مجزوم کردن در صیغه‌های مختلف به شرح زیر است:

• صیغه‌های بدون ضمیر: انتهای فعل را «ساکن (= ة)» کنید.

«تَذْهَبُ ← ذَهَبُ»

• صیغه‌های دارای ضمیر: حرف «ن» را از انتهای فعل حذف کنید.

«تَذْهَبَانِ ← ذَهَبَا»

• صیغه‌های جمع مؤنث: انتهای آن‌ها هیچ تغییری نمی‌کند.

«تَذْهَبْنَ ← ذَهَبْنَ»

۳ پس از حذف حرف مضارعه «ت» از اول فعل در صورتی که ابتدای فعل «ساکن (= ة)» باشد؛ باید ابتدای آن «همزه امر» بیاوریم که علامت آن با «عین الفعل مضارع» تعیین می‌شود؛ یعنی اگر عین الفعل مضارع «ضمه (= ؤ)» باشد، ابتدای فعل امر «أ» می‌آوریم و اگر «فتحه یا کسره» باشد، اول فعل «إ» می‌آوریم:

• تَضَحَّكَوْنَ حذف (ت) ← ضَحَّكَوْنَ مجزوم کردن ← ضَحَّكَوْا همزه امر ← اضْحَكُوا

• تَضَحَّكَتْ حذف (ت) ← ضَحَّكَتْ مجزوم کردن ← ضَحَّكَتْ همزه امر ← اضْحَكِي

• تَضَحَّكَتْ حذف (ت) ← ضَحَّكَتْ مجزوم کردن ← ضَحَّكَتْ همزه امر ← اضْحَكِي

در اینجا صرف شش صیغه «امر مخاطب» را ببینید:

• تَذْهَبُ ← اِذْهَبْ

• تَذْهَبَانِ ← اِذْهَبَا

• تَذْهَبُوْنَ ← اِذْهَبُوا

• تَذْهَبِينَ ← اِذْهَبِي

• تَذْهَبَانِ ← اِذْهَبَا

• تَذْهَبْنَ ← اِذْهَبْنَ

۲ امر به لام

مخصوص شش صیغه «غایب» و دو صیغه «متکلم» است.

نحوه ساخت امر به لام

۱ افزودن «ل» به ابتدای فعل مضارع

۲ مجزوم کردن «همانند امر مخاطب»

• يَذْهَبُ افزودن (ل) ← لِيَذْهَبْ مجزوم کردن ← لِيَذْهَبْ

• يَذْهَبَانِ افزودن (ل) ← لِيَذْهَبَانِ مجزوم کردن ← لِيَذْهَبَانِ

• يَذْهَبْنَ افزودن (ل) ← لِيَذْهَبْنَ مجزوم کردن ← لِيَذْهَبْنَ

نکته | لام امر فقط بر سر صیغه‌های «غایب / متکلم» می‌آید و اگر در سؤالات، بر سر صیغه‌های «مخاطب» بیاید اشتباه است. دقت کنید چون فعل مضارع صیغه‌های «للغائبة / للمخاطب» شبیه به هم هستند، حواستان باشد با هم اشتباه نکنید.

• أَيُّهَا النَّاسُ لتذهبوا إلى المتجر!

چون «ل» امر فقط بر سر صیغه‌های «غایب / متکلم» می‌آید، آوردن آن بر سر صیغه مخاطب «تذهبون» نادرست است.

• لتكتب واجباتك أيها التلميذ!

«تكتب» می‌تواند «للغائبة / للمخاطب» باشد ولی چون به «أيها التلميذ: للمخاطب» برمی‌گردد، می‌فهمیم فعل صیغه «للمخاطب» می‌باشد و آوردن لام امر بر سر آن نادرست است.

در ترجمه امر غایب از «باید + مضارع التزامی» استفاده می‌کنیم.

• لیذهب ← باید برود.

لام امر اگر بعد از «ف / و / ثُمَّ» قرار بگیرد، آن را ساکن می‌کنیم.

• ف + لِ + ينظر ← فَلْيَنْظُرْ «پس باید بنگرد»

• ثُمَّ + لِ + يذهبن ← ثُمَّ لِيَذْهَبْنَ «سپس باید بروند»

البته در بحث اعراب مضارع، بحث خیلی مفصلی راجع به انواع لام و ترجمه آنها داریم.

تستولوژی

- عَيْنُ الضَّحِيحِ فِي أَمْرِ الْمُخَاطَبِ: «التلاميذ كتبوا واجباتهم!»

(۱) اُكْتُبُوا واجباتكم ...

(۲) اُكْتُبُوا واجباتك ...

(۳) اُكْتُبِي واجباتك ...

(۴) اُكْتُبِي واجباتك ...

پاسخ ۱ «كتبوا» ماضی است و باید به مضارع مخاطب تبدیل شود.

یعنی باید به «تَكْتُبُونَ» تبدیل شود، سپس از آن امر بسازیم:

تَكْتُبُونَ حذف (ت) ← كْتُبُونَ مجزوم کردن ← كْتُبُوا اضافه کردن (أ) ← اُكْتُبُوا

اسم اشاره	معنی	شخص / صیغه	مثال
هذا	این	مفرد مذکر	هذا رجلٌ مؤمن. این، یک مرد مؤمن است.
هذه	این	مفرد مؤنث / جمع غیرعقل	هذه مدرسة كبيرة. این، یک مدرسه بزرگ است. هذه الرياح این بادهای ...
هذان / هذين	این دو	مثنی مذکر	هذان طالبانِ حاذقانِ. این دو، دانش‌آموزانی ماهر هستند.
هاتان / هاتين	این دو	مثنی مؤنث	هاتان طالبتانِ حاذقتانِ. این دو، دانش‌آموزانی باهوش هستند.
هؤلاء	این‌ها	(جمع) چه مذکر چه مؤنث	هؤلاء معلّمون / هؤلاء معلّمات. این‌ها معلّم هستند.
ذلك	آن	مفرد مذکر	ذلك رجلٌ مؤمن. آن، مردی مؤمن است.
تلك	آن	مفرد مؤنث / جمع غیرعقل	تلك مدرسة كبيرة. آن، مدرسه بزرگی است. تلك الرياح آن بادهای ...
أولئك	آن‌ها	(جمع) چه مذکر چه مؤنث	أولئك معلّمون / أولئك معلّمات. آن‌ها معلّم هستند.

لتعريب «اسم‌های اشاره به نزدیک»

لتبعيد «اسم‌های اشاره به دور»

هؤلاء الكتب ← غلط است، چون «کتاب» انسان نیست و نباید با «هؤلاء» بیاید.

نکته | اسامی اشاره با اسم‌های بعد از خود از هر لحاظ مطابقت می‌کنند.

• هذان التلمیذان

• هاتین الطالبین

هر دو اسم «هذان / التلمیذان»

هر دو اسم «هاتین / الطالبین»

صیغه «للعائین» هستند.

صیغه «للعائین» هستند.

اگر بخواهیم **غیرانسان‌ها** را جمع ببندیم، برای آن‌ها از اسم‌های اشاره «هذه» یا «تلك» استفاده می‌کنیم (با آن‌ها مثل **مفرد مؤنث** رفتار می‌کنیم).

«هذه / تلك» الأشجار ...

چون «الأشجار» جمع غیرعقل است، پس حکم مفرد مؤنث را دارد و با آن «هذه / تلك» می‌آید.

تستولوژی

- کم صحیحاً عن أسماء الإشارة؟

الف) هذا الجنود سافروا إلى مدينة كربلاء!

ب) ذلك الأرض تدور حول الشمس كل سنة مرة واحدة!

ج) أولئك المخازن مملوءة من الذهب!

د) هذان الأختان رقدتا في المستشفى!

۰ (۱) ۱ (۲)

۲ (۳) ۳ (۴)

پاسخ ۱ الف) «الجنود» جمع مکسر «الجنديّ: سرباز» است و باید «هؤلاء / أولئك» استفاده شود.

ب) «الأرض» مؤنث است، پس «ذلك» نادرست بوده و درست آن «تلك» است.

ج) «المخازن» چون «جمع غیرعقل» است، حکم مفرد مؤنث را دارد و باید «هذه / تلك» بیاوریم.

د) «الأختان» مثنای مؤنث است و درست آن «هاتان» می‌باشد.

نکته | از «هؤلاء» و «أولئك» فقط برای انسان‌ها استفاده می‌کنیم، پس

به کار بردن آن‌ها برای غیرانسان غلط است.

شناخت انواع كلمه

گفتار
۱

۱ | عین العبارة التي جاء فيها اسم و فعل و حرف معاً:

- ۱) عند الشدائد نحن متوكلون على الله و صابرون في مصائب عظيمة!
- ۲) عندما سألت من هذا؟ قال: هذا ابن خير عباد الله كلهم!
- ۳) في مساجد أصفهان مكتبات قيّمة فذهبتنا مع صديقتي مريم لزيارتها!
- ۴) التقدم في مسير الحياة و تجهيز النفس بالعلم و الإيمان أمر خطير لكل إنسان!

۲ | عین الضحيح في تعيين عدد الاسم:

- ۱) «أولئك على هدى من ربهم و أولئك هم المفلحون» ← ۶
- ۲) «لله ما في السموات و الأرض إن الله هو الغني الحميد» ← ۷
- ۳) «خالد بن فيها وعد الله حق و هو العزيز الحكيم» ← ۷
- ۴) «و اصبر على ما أصابك إن ذلك من عزم الأمور» ← ۵

۳ | عین ما ليس فيه مصدر:

- ۱) تكلمنا مع والدنا حول الذهاب إلى مزرعة عمنا!
- ۲) سعينا في هذا الطريق الصعب جعلنا ناجحين!
- ۳) هناك آثار خلابة كثيرة تجلب السائح لرؤيتها!
- ۴) ساعدنا دليل حاذق في حديقة قزوين للطيور!

۴ | عین ما ليس فيه من المصادر المزيدة:

- ۱) يتجلى اتحاد الأمة في صور و أشكال مختلفة!
- ۲) اعتصموا بحبل الله جميعاً و اجتنبوا التفريق!
- ۳) يسحب الإعصار الشديد الأسماك إلى السماء!
- ۴) لن ننسى المقاتلين و دفاعهم الزائع عن الوطن!

۵ | عین الفعل:

- ۱) فليكن تشجيع الطلاب على طلب العلم، فإن طلب العلم فريضة!
- ۲) تقدم اللاعب محصول تأمين معاشه بيد المسؤولين!
- ۳) رزق الله على المؤمنين وعد الله عليهم دون طلب من الإنسان!
- ۴) قاموا بتبجيله كعادتهم في استقبال الملوك!

۶ | في أي عبارة عدد الأفعال أكثر؟

- ۱) ذلك هو الله الذي / أنعمه منهنه!
- ۲) أنظر إلى الليل فمن / أوجد فيه قمرة!
- ۳) كيف نمت من حبة / و كيف صارت شجرة!
- ۴) فابحث و قل من ذا الذي / يخرج منها الثمرة!

۷ | أي عبارة فيها عدد الأفعال أكثر من باقي الجمل؟

- ۱) جاء رجل إلى رسول الله (ص) فقال: علمني خلقاً يجمع لي خير الدنيا و الآخرة فقال: لا تكذب!
- ۲) خجل الطلاب و ندموا و اعتذروا من فعلهم فنصحهم الأستاذ و قال من يكذب لا ينجح!
- ۳) إن هربت من الواقع فسوف تواجه مشاكل و صعوبات كثيرة و تضطر إلى الكذب عدّة مرّات!
- ۴) لا تغتروا بصلاتهم و لا بصيامهم و لكن اختبروهم عند صدق الحديث و أداء الأمانة!

۸ | في أي عبارة يوجد اسم و حرف و فعل و مصدر معاً؟

- ۱) البلبل محبوس بسبب حسن الصوت و استماع تغريده من الدّ الأمور!
- ۲) من الناس من يعتقد أنّ الاشتغال بالدرس و البحث عمل لا ضرورة له!
- ۳) استخدام الضقر لصيد الطيور الأخرى عمل مقبول عند الصيادين!
- ۴) قد تبني الطيور عشها قرب منازلها و نحن نتمتع بأصواتها و حركاتها!

۹ | عین «ستر» يكون اسماً:

- ۱) الهي أنت الذي سترت عيوب العباد في الدنيا من الناس!
- ۲) إنّ الله غفر ذنوب الذي ستر عيوب الناس و ما ظهرها!
- ۳) إلهي و ربّي أنا محتاج إلى ستر عيوبي في الدنيا و في الآخرة!
- ۴) إنّما الستار أنطلق للذي ستر العيوب في زمن القديم!

۱۰ | في أي عبارة ليس الاسم و الحرف و الفعل معاً؟

- ۱) سألت صديقي أ هذه عقوبة من يكرم جميع الأصدقاء؟!
- ۲) هؤلاء العلماء يحاولون لتنبه بلادهم بكل جهدا!
- ۳) يقبض هذا العالم الجبار أكثر زملائي في الجامعة!
- ۴) إنّ هذين الساحرين يريدان أن يخرجكم من أرضكم بسحرهما!

**١١ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي اخْتِلافِ عَدَدِ الأَفْعَالِ وَ الأَسْمَاءِ:**

- (١) لا ينفَعنا من العلم إلا ما نستفيد منه و نعمل به في حياتنا اليوميّة! : ستّة
- (٢) الطّالِب من اعتقد أنّ التعلّم جزء من وجوده فلا ينفصل منه أبداً! : سبعة
- (٣) المؤمن لا يُبطل ما أنفقه في سبيل الله بالمعنى و الأذى ، فإن عمِل لا يضيّع جزاءه! : خمسة
- (٤) من المعلّمين من يضحّي نفسه ليبنى بناء المجتمع رفيعاً محكماً ، و هو لا يتعب في هذا الطّريق! : تسعة

گفتار
٢**شناخت جنس اسم****١٢ عَيْن ما ليس فيه اسم مؤنث:**

- (١) حافظ على هويتك الدينيّة في كلّ مكان!
- (٢) طوبى للزّاهدين في الدّنيا و الزّاهبين للآخرة!
- (٣) هجم الأعداء الغاصبون على أراضي فلسطين!
- (٤) ينور الله قلوب المسلمين بنور الإيمان و اليقين!

١٣ عَيْن اسم المذكر و المؤنث ليساً معاً:

- (١) كثير من المشاكل الكبرى يُحلّ بيد رجلين محسنين في بلاد إيران!
- (٢) يُوجد في مدارس أوروبا حديقة فيها أشجار خضراء و المعلّمون يحفظونها!
- (٣) إنّ الدنيا كبتير إذا وقّع الإنسان فيها لا يجد منها النّجاة!
- (٤) خير إخوانكم إنسان أهدى إليكم عيوبكم!

١٤ أيّ جواب كلّه من الأسماء المذكورة؟

- (١) السّعادة - الطّلاب - الدّار - طلحة
- (٢) طلبة - الكّفار - ماء - إيران
- (٣) الآباء - أصوات - أفضل - القلم
- (٤) ورثة - بيت - معاوية - الدّنيا

١٥ عَيْن ما فيه أسماء المؤنث أكثر من الباقي:

- (١) يذهب كثير من المؤمنين و المسلمين في ذي الحجة إلى مكّة المكرّمة!
- (٢) و في نفس الوقت يدعو الله أن يوشع عليه في الرّزق!
- (٣) اللهمّ ألهمنا طاعتك و جتّبنا معصيتك برحمتك يا أرحم الرّاحمين!
- (٤) أيّها النّاس، أتركوا النّاقة فهي مأمورة فعلى باب دار من وقف فأنا عنده!

١٦ عَيْن عدد الأسماء المذكورة أكثر من عدد الأسماء المؤنثة:

- (١) سافرت مع فاطمة إلى فلسطين و هناك كلّ الحضّار كانوا ينظرون إلى مناظرنا!
- (٢) مرّت سعيدة بمسجد في شيراز قرب دار أزهديّ الناس و تنظر المكاتب و المناظر!
- (٣) لمّا شاهدت المكانة للعلماء في محافل عديدة عزم على الدّهاب إلى مدارس!
- (٤) عند رجوعكم من المكّة سارزئ زقافنا بمصاييح جميلة حمراء لم يُشاهد مثلها من قبل!

گفتار
٣**شناخت عدد اسم****١٧ عَيْن نوع الجمع يختلف عن الباقي:**

- (١) رأيت هؤلاء المؤمنين في المسجد!
- (٢) رأيت هؤلاء المؤمنين في المسجد!
- (٣) شاهدت الطّلاب جالسين في الصّف!

١٨ عَيْن ما ليس فيه جمع سالم للمؤنث:

- (١) لطمنا العدو أشدّ اللّطمات!
- (٢) لي جوال من أدقّ الجوّالات الجديدة!
- (٣) لبعض أولياء الله كرامات كثيرة!
- (٤) صوت تلاوة القرآن من أجمل الأصوات لنا!

١٩ عَيْن ما فيه جمع سالم للمؤنث:

- (١) أجمل الأصوات لصوت القرآن!
- (٢) أوقات الدّراسة تبدأ من الثامنة صباحاً!
- (٣) هذه الأبيات تتعلّق بشاعر كبير!
- (٤) تبدأ الإدارات عملها من الثامنة صباحاً!

(رياضي ٩٨)

(تجربي ٩٨)

(هنر ٩٨)

عَدَدٌ وَمَعْدُودٌ

۲

تشخیص و شناسایی اولیه اعداد اصلی و ترتیبی

۱ اعداد اصلی

اعدادی هستند که «تعداد» را بیان می‌کنند و برای «شمارش» به کار می‌روند و همان عددهای معمولی «یک / دو / سه ...» می‌باشند.

واحد	یک	أَحَدٌ عَشَرَ	یازده	عشرون	۲۰
إِثْنَانِ	دو	إِثْنَانِ عَشَرَ	دوازده	عشرون	۲۰
ثَلَاثَةٌ	سه	ثَلَاثَةٌ عَشَرَ	سیزده	ثلاثون	۳۰
أَرْبَعَةٌ	چهار	أَرْبَعَةٌ عَشَرَ	چهارده	أربعون	۴۰
خَمْسَةٌ	پنج	خَمْسَةٌ عَشَرَ	پانزده	خمسون	۵۰
سِتَّةٌ	شش	سِتَّةٌ عَشَرَ	شانزده	ستون	۶۰
سَبْعَةٌ	هفت	سَبْعَةٌ عَشَرَ	هفده	سبعون	۷۰
ثَمَانِيَةٌ	هشت	ثَمَانِيَةٌ عَشَرَ	هجده	ثمانون	۸۰
تِسْعَةٌ	نه	تِسْعَةٌ عَشَرَ	نوزده	تسعون	۹۰
عَشْرَةٌ	ده			مئة	۱۰۰

- إِثْنَانِ عَشَرَ شهراً «دوازده ماه»
- عَشْرَةٌ طَلَّابٍ «ده دانش‌آموز»

نکته | اضافه شدن یا کم شدن «ة» تأثیری بر عدد ندارد؛ چرا که بستگی به این دارد که برای معدود مذکر یا مؤنث به کار رفته است.

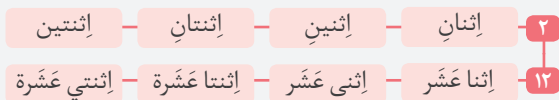
- خَمْسٌ = خَمْسَةٌ ← ۵
- أَرْبَعٌ عَشَرَ = أَرْبَعَةٌ عَشَرَ ← ۱۴

نکته | عدد «۱۱» برای «مذکرها» به صورت «أَحَدَ عَشَرَ» و برای «مؤنث‌ها» به شکل «إِحْدَى عَشْرَةَ» می‌آید.



✘ اشتباهات متداول

اعداد «۲» و «۱۲» می‌توانند به شکل‌های مختلف در جمله دیده شوند که هیچ تأثیری ندارد؛ چرا که بستگی به نقش آنها و مذکر و مؤنث بودنشان دارد.



نکته | در انتهای اعداد مضرب ده، ممکن است «ین» یا «ون» باشد که بستگی به اعراب آن دارد، ولی شما در مبحث عدد کاری به آنها نداشته باشید، چون هیچ تأثیری ندارند.



! حواست باشه!

بچه‌ها معمولاً سرکلاس‌ها خیلی عددهای «۶ / ۷ / ۸ / ۹» را اشتباه می‌کنند که الآن قصد داریم در یک جدول جمع‌بندی کنیم:

عدد به فارسی	۶	۷	۸	۹
عدد به عربی	سِتَّةٌ	سَبْعَةٌ	ثَمَانِيَةٌ	تِسْعَةٌ

اشتباهات متداول

اعدادی که بر وزن «فعل» می‌آیند، اعداد کسری ریاضی هستند و آنها را با اعداد اصلی اشتباه نگیرید.

- **خُمس**: یک پنجم / **خَمس**: پنج
- **عُشر**: یک دهم / **عَشْر**: ده

اعداد ترتیبی

برای بیان «نوبت / ترتیب / مقام» به کار می‌روند و معادل اعداد «یکم / دوم / سوم ...» در فارسی هستند.

الأوّل	اول	الحادي عشر	یازدهم
الثاني	دوم	الثاني عشر	دوازدهم
الثالث	سوم	الثالث عشر	سیزدهم
الرّابع	چهارم	الرّابع عشر	چهاردهم
الخامس	پنجم	الخامس عشر	پانزدهم
السادس	ششم	السادس عشر	شانزدهم
السّابع	هفتم	السّابع عشر	هفدهم
الثّامن	هشتم	الثّامن عشر	هجدهم
التّاسع	نهم	التّاسع عشر	نوزدهم
العاشر	دهم		

• **الدّرس الثّاني**: درس دوم
نکته | اگر بخواهند «الأوّل» را برای «مؤنث» به کار ببرند؛ به شکل «الأوّلی» می‌آورند.

اول	مذکر	الأوّل	الصفّ الأوّل
	مؤنث	الأوّلی	الصحيفة الأولى

نکته | اگر بخواهند اعداد «دوم» تا «نوزدهم» را برای «مؤنث» به کار ببرند، به همراه «ة» می‌آیند.
 الصفحة السّابعة «صفحه هفتم» - الصفحة الحادي عشر «صفحه یازدهم»

اشتباهات متداول

اعداد ترتیبی غالباً بر وزن «فاعل» می‌آیند؛ البته حواستان باشد که استثنا دارد و «الأوّل / الأولى» بر این وزن نیستند.

بر وزن «فاعل» - الأوّل - الثّاني - الحادي عشر - الثّاني عشر
 اعداد ترتیبی فاعل - سایر اعداد ترتیبی

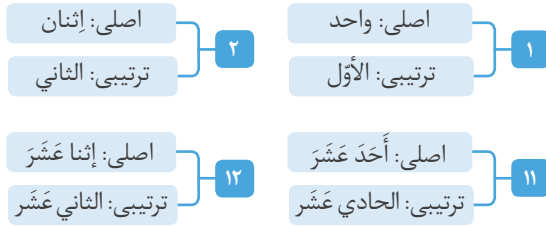
نکته | همانطور که در اعداد اصلی گفتیم خدمتتون، انتهای اعداد مضرب ده ممکن است «ون» یا «ین» باشد که بستگی به اعراب آنها دارد و کاری به آنها نداشته باشید.

هفتادم	السبعون	پنجاه و سوم	الثالث والخمسون
	السبعين		الثالث والخمسين

چه طوری اعداد اصلی و ترتیبی را از هم تشخیص دهیم؟

• در مورد اعداد «۳-۱۹»، به جز «(۱۲/۱۱)» که خیلی راحت است؛ فقط کافی است عدد بر وزن «فاعل» باشد، بگویید «ترتیبی» است و اگر نبود، «اصلی» است.

- **الخامسة عشرة**: بین «۱۹-۳» است و بر وزن «فاعل» می‌باشد؛ پس ترتیبی است.
- **أربع عشر**: بین «۱۹-۳» است و بر وزن «فاعل» نیست؛ پس «اصلی» است.
- در مورد اعداد عقود و اعداد بزرگتر از بیست؛ اگر عدد «ال» داشته باشد، «ترتیبی» و اگر نداشته باشد، «اصلی» می‌باشد.
- **الخامس والعشرون**: عدد بزرگتر از بیست است و «ال» دارد؛ پس «ترتیبی» است.
- **أربع وخمسون**: عدد بزرگتر از بیست است و «ال» ندارد؛ پس «اصلی» است.
- اعداد «یک»، «دو»، «یازده» و «دوازده» را بهتر است حفظ کنید.


تستولوژی

- عین ما جاء فیها من الأعداد الترتیبیة:

- ۱) يأخذ الفائز الأوّل جائزة ذهبیة!
- ۲) كان سثة معلّمین ذهبوا إلى الزیارة!
- ۳) بیعت سبع سيارتٍ فی هذه الشركة!
- ۴) دُعي الوالدان إلى المدرسة مؤتین اثنتین!

پاسخ ۱ در اینجا «الأوّل» عدد «ترتیبی» است.

بررسی سایر گزینه‌ها

در سایر گزینه‌ها به ترتیب «سّته: ۶»، «سبع: ۷» و «اثنتین: ۲» از اعداد اصلی هستند.

- عین الأعداد لیست کُلّها من نوع واحد:

- ۱) قرأت سبع صفحات من هذا الكتاب إنتی عشرة مئة!
- ۲) یقع بیت رفیقی فی الرّفاق الثّاني من هذا الشّارع وإته دعانا إلى بیته سثة آیام!
- ۳) قبل ثلاث سنوات فی فصل الصّیف یقی والداي لمدّة شهر واحد فی مدینة مشهد!
- ۴) یبقى الرجل خمسة آیام من الأسبوع فی مرکز المدینة و یذهب یومین اثنتین إلى القرية!

پاسخ ۲ صورت سؤال چی میگه؟

با توجه به ترجمه صورت سؤال: «اعدادی را انتخاب کنید که همگی از یک نوع نیستند.» باید به دنبال عبارتی باشیم که همه اعداد از یک نوع مثلاً همگی اصلی یا همگی ترتیبی نباشند.
 در اینجا «سّته: اصلی» و «الثّاني: ترتیبی» هستند؛ پس یکی اصلی و یکی ترتیبی است؛ بنابراین همگی از یک نوع نیستند.

بررسی سایر گزینه‌ها

در سایر گزینه‌ها همه اعداد به کار رفته از یک نوع هستند:

- ۱) در این عبارت هر دو عدد «سبع / اثنتی عشرة» اصلی هستند.
- ۳) هر دو عدد «ثلاث / واحد» اصلی هستند.
- ۴) هر دو عدد «خمسة / اثنتین» اصلی هستند.

۱ اعداد دورقمی

البته این تقسیم‌بندی اعداد دو رقمی در حد کتاب درسیه! و در تحصیلات عالیه اندکی فرق داره!

۱ عقود

به اعداد مضرب «۱۰»، در بازه «۹۰-۲۰»؛ اعداد عقود می‌گویند؛ مانند «... / ۴۰ / ۳۰ / ۲۰»

اصلی	ترتیبی
عشرون	العشرون
ثلاثون	الثلاثون
أربعون	الأربعون
خمسون	الخمسون
ستون	الستون
سبعون	السبعون
ثمانون	الثمانون
تسعون	التسعون

نکته | انتهای عددهای عقود می‌تواند «ون» یا «ین» باشد، که در هر دو صورت درست است؛ چرا که بر اساس نقش آنها در جمله می‌باشد.

• سبعون: سبعین: ۷۰ • أربعون: أربعین: ۴۰

❌ اشتباهات متداول

حواستان باشد که اعداد عقود از «۲۰» شروع و به «۹۰» ختم می‌شود؛ پس اولین عدد عقود «۲۰» است؛ مثلاً هر موقع طراح از شما «سومین» عدد عقود را خواست نگویید «۳۰»؛ چرا که اعداد عقود از «۲۰» شروع می‌شوند؛ پس سومین آنها «۴۰» می‌باشد.

۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰
عشرون	ثلاثون	أربعون	خمسون	ستون	سبعون	ثمانون	تسعون

در کل هر موقع از شما «n» امین عدد عقود را خواستند کافست طبق فرمول روبه‌رو عمل کنید:

$$۶۰ = ۱۰ \times (۵ + ۱) : \text{پنجمین عدد عقود}$$

۲ اعداد ده و مرکب

عدد ده را که باید حفظ باشید و دو جزئی نیست، ولی در اعداد دو رقمی «۱۹ - ۱۱» برخلاف اعداد معطوف، بین عدد و معدود به هیچ عنوان «واو» نمی‌آوریم.

۳ معطوف

برای بیان اعداد دو رقمی بالاتر از «۱۹»؛ البته به جز عقود، از یک «و» بین یکان و دهگان استفاده می‌شود، به همین دلیل به آنها اعداد معطوف گفته می‌شود.

برای بیان این اعداد ابتدا «یکان» و سپس «دهگان» را می‌آوریم:

• سی و چهار: أربعة و ثلاثون
دهگان یکان یکان دهگان

• سی و چهارم: الرابع و الثلاثون
دهگان یکان یکان دهگان

• نود و هشت: ثمانية و تسعون
دهگان یکان یکان دهگان

• نود و هشتم: الثامن و التسعون
دهگان یکان یکان دهگان

نکته | برای نوشتن اعداد ترتیبی دو رقمی، دقیقاً مثل اعداد اصلی، ابتدا «یکان» و بعد «دهگان» را می‌آوریم.

• بیست و چهارم: الرابع و العشرون

ابتدا یکان
سپس دهگان

• هشتاد و هفتم: السابعة و الثمانون

ابتدا یکان
سپس دهگان

❌ اشتباهات متداول

در اعداد دو رقمی «۱۹-۱۱» به هیچ عنوان بین دو عدد «و» نمی‌آید و نیز اعداد عقود هم که نیازی به «و» ندارند، ولی بین اعداد «معطوف» حتماً «و» می‌آید.

«و» بین اعداد دو رقمی ← معطوف عقود «۱۹-۱۱»

سوء تفاهم طوری

تفاوت اعداد اصلی و ترتیبی مضرب ده در نداشتن و داشتن «ال» است، یعنی عددهای اصلی مضرب ده «ال» ندارند، ولی عددهای ترتیبی دارند.

عدد اصلی		عدد ترتیبی	
ده	عشرة	دهم	العاشر
بیست	عشرون	بیستم	العشرون
سی	ثلاثون	سی‌ام	الثلاثون
چهل	أربعون	چهلیم	الأربعون
پنجاه	خمسون	پنجاهم	الخمسون
شصت	ستون	شصتم	الستون
هفتاد	سبعون	هفتادم	السبعون
هشتاد	ثمانون	هشتادم	الثمانون
نود	تسعون	نودم	التسعون
صد	مئة	صدم	المئة

! حواست باشه!

در کلیه اعداد دو رقمی، به جز عقود، ابتدا باید «یکان» و سپس «دهگان» بیاید و اگر این حالت نباشد، نادرست است.

قواعد عربی جامع کنکور |

• ۲۵: خمس و عشرون - عشرون و خمسة
 یکان دهگان دهگان یکصد

• ۱۳: ثلاثة عشر - عشر و ثلاثة
 یکان دهگان دهگان یکصد

۲ اعداد سه رقمی

برای بیان اعداد سه رقمی، ابتدا «صدگان» را می‌نویسیم؛ سپس «یکان» و بعد «دهگان» را می‌نویسیم؛ یا به عبارتی «صدگان» را نوشته و برای نوشتن دو رقم بعدی همانند دستور اعداد دو رقمی عمل می‌کنیم؛ پس ابتدا لازم است رقم صدگان را بشناسیم:

مئة	مائتان / مائین	ثلاثئة	أربعئة	خمسة	سبعة	ثمانئة	تسعة
۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰

• صد و شصت و پنج : مئة و خمس و ستون
 صدگان دهگان یکان صدگان یکان دهگان

• چهارصد و سی و سه : أربعئة و ثلاث و ثلاثون
 صدگان دهگان یکان صدگان یکان دهگان

۳ بیان درصد در عربی

در عربی برای بیان درصد از ساختار [عدد + **فی المئة**] استفاده می‌شود:

- پنجاه درصد: **خمسون فی المئة**
- سی و هشت درصد: **ثمانية و ثلاثون فی المئة**

✘ اشتباهات متداول

اعداد (۱۰۰) و (۱۰۰۰) با یک لفظ هم برای مذکر و هم برای مؤنث و هم برای اصلی و ترتیبی می‌آیند و فرقی با یکدیگر ندارند.

۱۰۰۰	۱۰۰
ألف	مئة «مائة»
ألف طفل: هزار کودک	مئة طفل: صد کودک
ألف مدرسة: هزار مدرسه	مئة مدرسة: صد مدرسه

۳ گفتار

شناخت اعداد رایج مربوط به روزهای سال و ماه و هفته و ارقام رایج

الخامس	باقر (ع)	التاسع	جواد (ع)
السادس	صادق (ع)	العاشر	هادی (ع)
السابع	کاظم (ع)	الحادي عشر	عسکری (ع)
الثامن	رضا (ع)	الثاني عشر	مهدی (عج)

فصل‌ها:

الأول (بهار)	الثاني (تابستان)	الثالث (پاییز)	الرابع (زمستان)
الربيع	الصيف	الخريف	الشتاء

شما به تعداد ترتیب در دوره متوسطه اول خوانده‌اید، مثل ترتیب «روز و ماه و سال»، «ایام هفته»، «امامان»، «فصل‌ها» و ... که در اینجا قصد دارم براتون یک بار دیگر بیاورم.

ایام هفته:

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنج‌شنبه	جمعه
السَّبْت	الأحد	الاثنين	الثلاثاء	الأربعاء	الخميس	الجمعة

امامان:

الأول	الثالث	على (ع)	الأول
الثاني <td>الرابع <td>حسن (ع) <td>سجاد (ع)</td> </td></td>	الرابع <td>حسن (ع) <td>سجاد (ع)</td> </td>	حسن (ع) <td>سجاد (ع)</td>	سجاد (ع)

تستولوژی

- عين الصحيح للفرغ على الترتيب: «... ثلاثون - ثلاثون - ...»
 اثنان و ثلاثون - ...»

- ۱) واحد و تسعون - واحد و ثلاثون - تسعة و عشرون
- ۲) تسعة و ثلاثون - واحد و ثلاثون - ثلاثة و ثلاثون
- ۳) تسعة و عشرون - واحد و ثلاثون - ثلاثة و ثلاثون
- ۴) تسعة و عشرون - واحد و عشرون - ثلاثة و ثلاثون

پاسخ ۳

۹۱ - ۳۱ - ۲۹

۳۳ - ۳۱ - ۳۹ (۲)

۳۳ - ۳۱ - ۲۹ (۳)

۳۳ - ۲۹ - ۲۱ (۴)

- عين الصحيح عن استخدام العدد:

- ۱) في مَكْتَبِ الشَّيْخَةِ هُنَاكَ اِثْنَا عَشَرَ اِمَامًا تَلِيَهُمْ هُوَ اِلِمَامُ الْحُسَيْنِ (ع)!
- ۲) مِنَ الْمُمْكِنِ اَنْ نَكْتُبَ الرَّابِعَ عَشَرَ سَطْرًا فِي كُلِّ صَفْحَةٍ!
- ۳) لِسِنَةِ وَاحِدَةٍ خَمْسُونَ اِثْنَانِ اَسْبُوعًا!
- ۴) حَفِظْتُ دَرَسًا مِنْ دَرُوسِي فِي اَحَدٍ وَ عَشْرِ يَوْمًا!

پاسخ ۱

بررسی سایر گزینه‌ها

- ۲) در اینجا به عدد «اصلي» نیاز است که به اشتباه «الرابع عشر» ترتیبی» به کار برده شده است: «آیا ممکن است که در هر صفحه، چهارده سطر بنویسیم؟» ← اَرْبَعَةَ عَشَرَ سَطْرًا
- ۳) «خمسون اثنان» نادرست است؛ چرا که عدد معطوف است و باید بین آن «و» باشد، ثانیاً باید ابتدا «یکان» و سپس «دهگان» بیاید. ← اِثْنَانِ وَ خَمْسُونَ
- ۴) «أحد و عشر» معطوف نیست، پس نباید بین دو عدد «و» باشد، بنابراین به صورت «أحد عشر» درست است.

حُب دیگر بسم الله! همین جوریش بچه‌ها خیلی عربی را دوست داشتن و بهش عشق می‌ورزیدن که ریاضی هم واردش شد!!! اما نگران نباشین، چون آگه اعداد دو رقمی و سه رقمی را خوب یاد گرفته باشین، این عملیات‌ها و مسائل در حد ضرب و تقسیم ابتدایی هستش!!

عملیات	نحوه بیان	مثال
جمع (+)	زائد	سبعة زائد أربعة يساوي أحد عشر $7+4=11$
ضرب (×)	ضرب في	ثلاثة ضرب في خمسة يساوي خمسة عشر $3 \times 5 = 15$
تقسیم (÷)	تقسیم على	ستة عشر تقسیم على أربعة يساوي أربعة $16 \div 4 = 4$
تفریق (-)	ناقص	ثمانية عشر ناقص ستة يساوي إثني عشر $18 - 6 = 12$

تستولوژی

- عین الصحیح:

- ۱) ثلاثة و ثلاثون زائد اثنین و عشرين يساوي ستة و ستین!
- ۲) ستون ناقص عشرة يساوي ثمانین!
- ۳) ثمانية و سبعون ناقص تسعة و اربعین يساوي سبعة و عشرين!
- ۴) ستة في أحد عشر يساوي ستة و ستین!

$6 \times 11 = 66$

پاسخ ۴

بررسی سایر گزینه‌ها

- ۱) $33 + 22 = 66$ ❌
- ۲) $60 - 10 = 80$ ❌
- ۳) $78 - 49 = 29$ ❌

- [لمدرستنا أربعة و ستون تلميذاً؛ فَتَجَحَّ كُلُّهُمْ إِلَّا خمسة و عشرين.]
کم عدد الذین نَجَحُوا؟

- ۱) أربعة و عشرين
- ۲) ثلاثة و تسعون
- ۳) تسعة و ثلاثون
- ۴) سبعة و ثلاثون

پاسخ ۳ ترجمه صورت سؤال: «مدرسه ما ۶۴ دانش‌آموز دارد که همه

آنها به جز ۲۵ نفر در امتحان موفق شدند.» چند نفر موفق شدند؟ واضح است که باید تعدادی که موفق نشدند را از تعداد کل کم کرد تا تعدادی که موفق شده‌اند به دست آید:

«تسعة و ثلاثون» ۳۹ (موفق شدند) = ۶۴ (موفق نشده‌اند) - ۶۴ (تعداد کل)

۱ اعداد اصلی

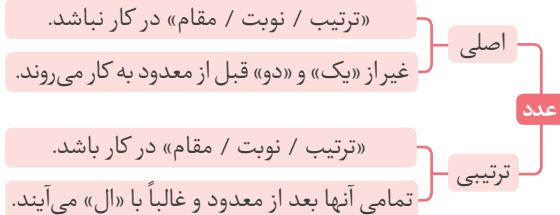
هرگاه بخواهیم اعداد را به صورت کلی به کار ببریم، یعنی قصد بیان «ترتیب / نوبت / مقام» را نداشته باشیم، از اعداد «اصلی» استفاده می‌کنیم و وقتی بخواهیم آنها را به کار ببریم، تمامی آنها به غیر از «یک» و «دو» قبل از معدود به کار می‌روند، ولی «یک» و «دو» بعد از معدود می‌آیند.

- دو مدرسه: مدرستان اثنان - اثنان مدرستان
- یک کتاب: کتاب واحد - واحد کتاب
- چهل ریال: اربعون ریالاً - ریالاً اربعون
- چهارده بیت: أربعة عشر بيتاً - بيتاً أربعة عشر

۲ اعداد ترتیبی

هرگاه ترتیبی در کار باشد و مثلاً بخواهیم «ترتیب / نوبت / مقام» را بیان کنیم، از اعداد «ترتیبی» استفاده می‌کنیم و وقتی بخواهیم آنها را به کار ببریم؛ تمامی آنها را با «ال» می‌آوریم و غالباً بعد از معدود می‌آیند.

- روز بیستم: اليوم العشرون - العشرون اليوم - عشرون اليوم
- صفحه دهم: الصفحة العاشرة - العاشرة الصفحة - عاشره الصفحة



تستولوژی

- عین الصحیح في استخدام الأعداد:

- ۱) دُعيت ثمانی معلماتٍ إلى المراسیم!
- ۲) علی المنضدة واحدة كتاب و قلمان الثانی!
- ۳) أصیب بمرض فلم یذهب إلى المدرسة سبع أيام!
- ۴) لهذه الصفحة عشرة سطورٍ فقط!

پاسخ ۱ با توجه به معنی: «هشت معلم به مراسم دعوت شدند.»

عدد اصلی نیاز بوده و درست به کار برده شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها

- ۲) با توجه به معنی: «روی میز، یک کتاب و دو قلم وجود دارد.» پس عدد اصلی نیاز است و «واحد» نیز بعد از «کتاب» و مذکر می‌آید.
- ← «کتاب واحد»

پاسخ ۳ اعداد اصلی به جز «یک» و «دو» قبل از معدود می‌آیند، یعنی «یک» و «دو» بعد از معدود می‌آیند که «راکبٌ واحدٌ» کاملاً درست است.

بررسی سایر گزینه‌ها

(۱) اعداد اصلی «یک» و «دو» بعد معدود می‌آیند، پس «اثنان فلاحان» نادرست است و درست آن «فلاحان اثنان» است.

(۲) اعداد ترتیبی بعد معدود می‌آیند و «ال» دارند، پس درست آن «الساعة السابعة» است.

(۴) طبق توضیح گزینه‌های «۱» و «۳»، درست آن «اثننا عشرة قطّة» است.

(۳) با توجه به معنی: «به بیماری دچار شدم پس هفت روز به مدرسه نرفتم.» در این جا باید عدد اصلی «سبعة: هفت» به کار می‌رفت.

(۴) با توجه به معنی: «این صفحه فقط ده خط دارد.» عدد اصلی نیاز بوده و به اشتباه «عاشرة: دهم / دهمین» به کار رفته است. ← «عشرة سطور»

- عین الصّحیح في استخدام الأعداد:

(۱) حَصَدَ اِثْنانِ فَلَاحانِ هذه المزرعة الكبيرة!

(۲) يجب علينا أن نكون في الموقف في الساعة سبع!

(۳) نزل راكبٌ واحد من السيارة أمام بيتنا!

(۴) اجتمعت قطّة اثننا عشرة حول قطعة من اللحم!

ساعت و مسائل مربوط به آن

گفتار ۸

قواعد بیان ساعت در عربی

الآن به طور مثال حالت‌های خاص ساعت «۹» را بیان می‌کنم، البته به جای «۹» هر ساعت دیگری می‌تواند باشد:

برای بیان ساعت از اعداد «ترتیبی» و برای بیان دقیقه از اعداد «اصلی» استفاده می‌کنیم.

۱ حالت کلی

دو روش کلی برای بیان همه ساعت‌ها داریم که دقیقاً ساعت و دقیقه را بیان می‌کنیم یا می‌گوییم که فلان دقیقه از فلان ساعت گذشته است.

الساعة التاسعة و خمس عشرة دقيقة! خمس عشرة دقيقة بعد الساعة التاسعة! الساعة التاسعة و الربع!	۹:۱۵
الساعة التاسعة و ثلاثون دقيقة! ثلاثون دقيقة بعد الساعة التاسعة! الساعة التاسعة و النصف!	۹:۳۰
الساعة التاسعة و خمس و أربعون دقيقة! الساعة العاشرة إلا خمس دقيقة! الساعة العاشرة إلا ربعاً!	۹:۴۵

الساعة السابعة و اثنان و عشرون دقيقة! اثنان و عشرون دقيقة بعد الساعة السابعة!	۷:۲۲
الساعة السادسة و ثمان و عشرون دقيقة! ثمانية و عشرون دقيقة بعد الساعة السادسة!	۶:۲۸

۲ ساعت‌های بیشتر از ۳۰ دقیقه

برای ساعت‌هایی که بیشتر از «۳۰» دقیقه دارند، می‌توان علاوه بر دو روش کلی، دقیقه‌های مانده به ساعت «بعد» را بیان کنیم؛ یعنی مثلاً در ساعت «۳:۵۰» بگوییم «۱۰ دقیقه مانده به ساعت ۴»، که برای این کار از «إلا» کمک می‌گیریم.

الساعة الخامسة إلا خمس عشرة دقيقة! حواستان باشد که ساعت «بعد» را بیان کنید، نه همان ساعت را.	۴:۴۵ : الساعة الخامسة إلا خمس عشرة دقيقة!
---	---

۳ حالت‌های خاص

ساعت‌هایی که دارای دقیقه‌های «۱۵ / ۳۰ / ۴۵» هستند، جزء ساعت‌های خاص محسوب می‌شوند؛ که به جز بیان ساعت به دو روش قبل، می‌توان برای بیان آنها از «ربع» و «نصف» نیز استفاده کرد.

الساعة السابعة و الربع!	۷:۱۵
الساعة الثامنة و النصف!	۸:۳۰
الساعة السادسة إلا ربعاً!	۵:۴۵

تست‌ولوژی

- عین الصّحیح في الساعة:

(الف) ۳:۴۰ (ب) ۹:۵۵

- الثالثة و عشرون - التاسعة إلا خمس!
- العاشرة إلا خمس - التاسعة و خمسة و خمسون!
- الرابعة إلا عشرين دقيقة - العاشرة إلا خمس دقائق!
- الثالثة و عشرون - التاسعة و خمسون و خمسة!

پاسخ ۳

الثالثة و أربعون دقيقة! أربعون دقيقة بعد الساعة الثالثة! الرابعة إلا عشرين دقيقة!	۳:۴۰
التاسعة و خمس و خمسون دقيقة! خمس و خمسون دقيقة بعد الساعة التاسعة! العاشرة إلا خمس دقائق!	۹:۵۵



پاسخ ۱ ترجمه صورت سؤال: «مراسم در ساعت هشت و پنجاه دقیقه بعد از ظهر شروع شد و در ساعت چهل دقیقه قبل از پایان روز [پایان روز ساعت ۱۲ شب است]. یعنی همان ساعت یازده و بیست دقیقه شب پایان خواهد یافت. مدت مراسم را تعیین کنید.»
بچه‌ها واضح است که مدت مراسم «۱۵۰» دقیقه یا «۲ ساعت و ۳۰ دقیقه» است. «ساعتان» مثنی است و می‌شود «۲ ساعت» و «ثلاثون دقیقه» هم می‌شود «۳۰ دقیقه».

- «بدأت الحفلة في الساعة الثامنة و خمسين دقيقة بعد الظهرو سوف تنتهي أربعين دقيقة قبل نهاية اليوم!» عتین مُدَّة المراسیم؟ ایپایان روز ساعت ۱۲ شب است.

- (۱) ساعتان و ثلاثون دقيقة
- (۲) ثلاث ساعاتٍ و خمسون دقيقة
- (۳) سبعة و تسعون دقيقة
- (۴) مئتان و عشرون دقيقة

گفتار (۹) مبحثی است که میان علما اختلاف است! برخی می‌گویند در کتاب هست و برخی می‌گویند نیست! البته ما طبق ضرب‌المثل «کار از محکم‌کاری عیب نمی‌کنه!» براتون ارزش تست آوردیم! ولی به درسنامه کوچولو داره که آگه قرار شد بخونین، از پاسخنامه بخونین! بدرود!

تشخیص و شناسایی اولیه اعداد اصلی و ترتیبی

گفتار ۱

۱۹۲ عتین ما جاء فيه العدد الترتیبی:

- (۱) «إِنَّ عَدَّةَ الشهور عند الله إثناعشر شهراً»
- (۲) «و الخامسة أَنَّ غضبَ الله عليها إن كان من الصادقين»
- (۳) «قُلْ إِنَّمَا أعظكم بواحدة أن تقوموا لله مثنى و فرادى»
- (۴) «فمن لم يستطع فإطعام ستین مسكیناً»

۱۹۳ عتین ما جاء فيه العدد الأصلي:

- (۱) إِنَّ خمس أموال صديقي أكثر من كلِّ أموالی!
- (۲) قد قرأت حتى الآن تسع مقالاتٍ من هذا الأستاذ!
- (۳) اليوم السابع عشر من شهر الربیع يوم ولادة النبي!
- (۴) كتبتُ في الصفحة الحادية عشرة من هذه المجلة كلمةً!

(انسانی ۹۴)

- (۱) حضرْتُ في الموعد في الساعة الخامسة مساءً!
- (۲) طالعنا اليوم في المدرسة الفصل الثالث من درسنا العاشر!
- (۳) طلبتُ من صديقي أن يُعطيني واحداً من كُتبه الدراسيَّة فقط!
- (۴) قال الفلاح لابنه: علينا أن نحصد القطعة الثانية من هذه الأرض!

۱۹۵ عتین ما ليس فيه العدد الترتیبی:

- (۱) راجعتُ إلى المكتبة خمس مرّات لأخذ كتاباً خاصاً،
- (۲) وأخيراً جئت بالكتاب إلى البيت في المزة السادسة،
- (۳) بدأتُ بقراءة مرتين و لكتني ما فهمتُه في المرحلة الثانية أيضاً،
- (۴) و بعد أن تأملتُ فيه كثيراً ففي المرحلة العاشرة، فهمتُه جيّداً!

۱۹۶ في أيّ عبارة جاء فيها العدد الأصلي و العدد الترتیبی معاً؟

- (۱) قرأتُ للحاضرين ثمانية أبياتٍ من الديوان الرابع لهذا الشاعر!
- (۲) سألتني أمي أحد عشر سؤالاً كانت كلّها من ثلاثة دروس من كتابي!
- (۳) أستشهد الإمام الثالث في اليوم العاشر من الشهر الحرام!
- (۴) عَزَمَ ثلاثة معاوني المدرسة أن يَقعدوا مراسيماً لتكريم آباء الشّهداء لخمسة تلاميذ!

۱۹۷ عتین عدداً يختلف عن الباقي في النوع:

- (۱) السنة الدراسيَّة تتكوّن من تسعة أشهر!
- (۲) و ثلاثة الشهور الأخرى تختصّ بالعطلة!
- (۳) و نقرأ في الحصّة الثالثة من السنة الأدب الفارسي!
- (۴) و اللّغة العربيَّة إثناعشر درساً نقرأها طول السنة!

۱۹۸ عتین العبارة التي ليست جميع أعدادها من نوع واحد:

- (۱) قرأتُ الدرس الخامس من كتابي ثمانی مرّاتٍ حتى حفظتُه!
- (۲) و في كلّ أسبوعين إثنين نقرأ خمسة دروس!
- (۳) فنقرأ الدرس العاشر في الأسبوع الثاني عشر في فصل الخريف!
- (۴) و في الأسبوع السابع نصلُ إلى الدرس الثامن!

٩٩ | في أيّ عبارة ما جاء العدد الأصلي و العدد الترتيبي على الترتيب؟

- (١) كان عندي ضيفان اثنان جاء للمرّة الثانية إلى بيتي!
- (٢) فازت تلميذتان اثنتان في المرحلة الثالثة من المسابقة!
- (٣) أعربتُ من القرآن الكريم عشر آياتٍ من السّورة الثالثة!
- (٤) الدّرس السابع صعبٌ و ما فهمَ الطّلابُ إلاّ تسع صفحاتٍ منه!

١٠٠ | عيّن الأعداد ليست كلّها من نوع واحد:

- (١) قرأتُ سبع صفحاتٍ من هذا الكتابِ إثنى عشرة مرّة!
- (٢) يقع بيت صديقنا في الرّفاق الثّاني من هذا الشّارع و إنّه دعانا إلى بيته ستّة أيّام!
- (٣) قبل ثلاث سنواتٍ في فصل الصّيف بقيّ صديقي لمدّة شهر واحدٍ في مدينة مشهد!
- (٤) يبقى العامل خمسة أيّام من الأسبوع في مركز المدينة و يذهب يومينِ اثنين إلى القرية!

١٠١ | عيّن العدد الأصلي أكثر من الباقي:

- (١) أنا و زميلتي كنا نطالع خمس صفحاتٍ من الكتاب السّابع!
- (٢) فاز تلميذان اثنان من بين ستّة طّلابٍ في مسابقة حفظ القرآن!
- (٣) كان تسعة طّلابٍ ينتظرون في السّاعة الثامنة صباحاً!
- (٤) سنّصلُ في الأسبوع الخامس إلى الدّرس السادس!

١٠٢ | في أيّ عبارة عدد الأعداد الأصليّة و الترتيبيّة على حدّ سواء؟

- (١) فاز خمسة من التّلاميذ في صقيّن اثنين على جائزة!
- (٢) لكلّ أسبوع سبعة أيّام اليوم السابع منه يوم العطلة!
- (٣) اثنانٍ خيرٌ من واحدٍ و ثلاثة خيرٌ من اثنين و أربعة خيرٌ من ثلاثة!
- (٤) كانت عطلة المدارس أحد عشر يوماً، سافرت ستّة أيّام منها فقط!

١٠٣ | عيّن العدد الترتيبي أقلّ من العدد الأصلي:

- (١) جاءت صديقتي إلى دارنا في الساعة الرابعة من يوم الخامس من الشّهر!
- (٢) كان في الصفحة الثامنة من هذا الكتاب ثلاثة أخطاء، صحّحتُ خطأين اثنين منها!
- (٣) جاء في ستّ صفحاتٍ من تسعة دروسٍ خمس كلماتٍ لا مفهوم لها!
- (٤) حفظتُ دروسي في ثلاثة أيّام تماماً، فأصبحتُ الطالبة الرابعة في الصّف!

١٠٤ | عيّن ما كلّه من الأعداد الأصليّة:

- (١) الثّامن - سبعة و سبعون - العشرون
- (٢) تسع و ثمانون - أربعون - إحدى عشرة
- (٣) ثمانية عشر - تسعون - الخامسة عشرة
- (٤) خمسة و أربعون - إثني عشر - الثلاثون

١٠٥ | عيّن الأعداد التي تحتها خطٌ تختلف في النّوع:

- (١) في مدرستنا اثنا عشر صفّاً: «إنّ يكن منكم عشرون صابرون يغلبوا مئتين»
- (٢) «إني رأيتُ أحدَ عشرَ كوكباً و الشّمس و القمر...»: الشهر الثاني عشر في فصل الخريف!
- (٣) اشتراك ثمانية عشر تلميذاً في المسابقة! إنّ طعام الواحد يكفي الاثنين!
- (٤) التلميذ الحادي عشر في الصّف هو عليّ: في القرن الخمسين أكتشفت الإلكترونيات!

اعداد عقود

والّا از خدا كه پنهان نيست! از شما چه پنهان! با دوستام كه مشورت كردم گفتن اين دو تست را هم در گفتار (١١) بيارا ولي راستش ديديم گفتارهاى اين درس كم شده و اين شد كه خودم را اقناع كردم كه اين دو تست در يك گفتار جديد بيايد!

١٠٦ | في أيّ عبارة جاء عدد العقود؟

- (١) قرأتُ بيتاً واحداً من كتابٍ فيه أشعار جديدة من تسعة شعراء!
- (٢) هل تعلم أنّ ثمانين في المئة من الموجودات العالم حشرات؟
- (٣) في مكتبنا مجموعة شعريّة لأحد عشر شاعراً!
- (٤) «من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها»

١٠٧ | في أيّ جواب جاء العدد الثّامن من العقود؟

- (١) شارك في هذه المسابقة سبعون لاعباً!
- (٢) صُنعت هذه المدرسة في سبعة أيّام!
- (٣) في هذه الغرفة تسعون كرسيّاً خشبياً!
- (٤) خرّج تسعة عشر تلميذاً من المدرسة!

۱۰۸ | عین الصحیح عَنِ الأعداد للفرّاغ:

- (۱) الفصل في السنة الإيرانية هو فصل الخريف: الثاني
(۲) مرقد الإمام وَقَعَ في العراق: السادس
(۳) اليوم من أيام الأسبوع يوم الأحد: الأول
(۴) يأخذ الفائز الأول جائزةً ذهبيّةً و الفائز ال جائزةً فضيّةً: الثاني

۱۰۹ | عین الصحیح عَنِ الأعداد للفرّاغ:

- (۱) اليوم من أيام الأسبوع يوم الخميس: الخامس
(۲) الفصل في السنة الإيرانية فصل الخريف: الرابع
(۳) مرقد الإمام وقع في مشهد المقدّسة: الثامن
(۴) شهر «مرداد» له يوماً: ثلاثون

کاربرد انواع عدد در جمله از نظر معنی و نحوی

۱۱۰ | عین الخطأ:

- (۱) لي اثنتا عشرة مجلّة علميّة في مكتبتی!
(۲) أستشهد شهيدان إثنان في مدينتنا في السّنوات الماضية!
(۳) اشتریتُ إحدى عشرة حقيبةً لأصدقائي الأعزّاء!
(۴) كانتُ لأنبیاء خمسة كُتُب سماويّة!

۱۱۱ | عین الخطأ:

- (۱) دُعيت ثماني معلّمت إلى المراسيم التي انعقدت يوم الخميس!
(۲) على المنضدة التي تقع أمام زميلي كتابٌ واحد و قلمان إثنان!
(۳) لصفوف مدرستنا أربعة أبواب و نافذتان!
(۴) يوجد في الصفحة العاشرة من هذا الكتاب سطر واحد فقط!

۱۱۲ | عین الصحیح:

- (۱) سمعتُ صوت الأذان من التلفاز للمرة الثالثة!
(۲) كان سادسة معلّمين قد ذهبوا إلى الزيارة!
(۳) بعثُ سابعة سيّاراتٍ من هذه الشركة الإيرانية!
(۴) دُعِيَ الوالدان إلى المدرسة لِمَرتين إثنين في هذا العام الدراسي!

۱۱۳ | عین الخطأ:

- (۱) لم يحضر اليوم في المدرسة إلا خمسة طلاب!
(۲) طالعُ في الصحيفة ثلاث مقالاتٍ علميّة و طبيّة!
(۳) قرأتُ من الكتاب صفتين اثنتين في هذا اليوم!
(۴) شاهدتُ أكثر من حادي عشر طالباتٍ مجدّاتٍ في هذه المدرسة!

۱۱۴ | عین الصحیح للفرّافات: «صَحَّحْتُ في الصفحة في السّطر خطأين

- (۱) الحادية عشر - الخامس - العاشر
(۲) أحد عشر - الخمسة - العُشر
(۳) الحادي عشر - الخمس - عشرة
(۴) الحادية عشرة - الثالث - إثنين

۱۱۵ | عین الصحیح للفرّافات: «حفظتُ دروسي في أيام و ليلٍ، فأصبحتُ التلميذة في الصّف.»

- (۱) رابعة - تسع - ستّة
(۲) ثالث - ثامنة - خامسة
(۳) ثمانية - أربع - الثالثة
(۴) تاسعة - خمس - ثمانية

۱۱۶ | كم عبارةً صحيحةً بالنظر إلى استعمال الأعداد؟

- (الف) كان لي سبعون و أربعة ريالاً و دفعت نصفه إلى بائع الكتب لشراء الكتاب!
(ب) اشترك رابع طلاب من صفنا في مباراة كرة القدم التي انعقدت بمناسبة يوم التلميذ!
(ج) في يوم الخميس من الشهر الثالث تنعقد مسابقة علميّة في إيران!
(د) قرأ التلميذ السابع صفحات من الكتاب الأحد يوم أمس بعد أن درّس المعلم له!
(۱) ۰
(۲) ۱
(۳) ۲
(۴) ۳

۱۱۷ | عین الصحیح:

- (۱) عدد لاعبي كرة السلة في كل فريق اثنا عشر شخصاً يلعبون معاً!
(۲) كل صباح أنا و أختي نرى في الطريق عشرة تلاميذ يذهبون إلى مدارسهم!
(۳) كانت أستاذتي قد كتبت رابعة كتبٍ حول اللغة العربية شاهدتها في المكتبة العامّة!
(۴) منذ ثاني عشر يوماً أنا أريد أن أذهب إلى السفر مع زملائي و لكن ما حان وقته حتّى الآن!



قواعد عربي جامع كذكور

١١٨ | عين الخطأ في استخدام العدد:

- (١) كان لي صديقان اثنان يساعداًني في كل الأمور التي تُهمّني!
(٢) سيحضر التلميذ في المدرسة بعد خمس دقائق!

١١٩ | عين الصحيح في الأعداد:

- (١) أنزل الله تسعين و تسعة جزءاً من الرّحمة للخلق!
(٢) في مكتبتنا مجموعة شعريّة لحادي عشر شاعراً!

١٢٠ | كم صحيحاً عن العدد؟

- (الف) عند معلّم المدرسة ثلاثون و سبعة كتب في مكتبته!
(ج) كتب التلميذ الدرس الأولي و تمارينه في الدفتر!
(١) ٠ (٢) ١ (٣) ٢

١٢١ | عين الخطأ في استعمال الأعداد:

- (١) اشتريت لك اثني عشر قلماً في ستّة ألوان!
(٢) قرأت حتّى الآن فصلين اثنين من كتابنا في الكيمياء!

١٢٢ | عين الخطأ في استعمال الأعداد:

- (١) نبدأ دروسنا في اليوم الأول من فصل الخريف،
(٢) و في الأسبوع السابع نصل إلى الدرس الثامن،

١٢٣ | عين الصحيح في استخدام الأعداد:

- (١) ستبدأ الجلسة بداية الساعة السبعة و نحضر فيها في الوقت المُحدّد!
(٢) أجبت عن سبعة أسئلة فقط و ما استطعتُ الإجابة عن كلّها مع الأسف!
(٣) فصل الخريف هو الفصل الثالث من السنة الإيرانية و يأتي بعده الشتاء!
(٤) لهذا الفندق الجميل حُمس عُرف في كلّ طبقة و له ستّة طوابق!

١٢٤ | عين ما لا يناسب «خمس / خمسة» للفراغات:

- (١) إنّي في محافظة طهران مُدُن كبيرة!
(٢) في دين الحق أنبياء لهم كتب سماوية!
(٣) من الممكن أن نكتب أسطر في كلّ صفحة!
(٤) البيت من هذا الشعر يتحدّث عن مسائل الأدبية!

(انسانی ٨٧)

- (٢) إبنك الثالث من علماء مدينتنا، فأعرف قدره!
(٤) ستدور ثلاثة مباراة بين فريقنا و فريقكم في الأسبوع الآتي!

(رياضی ٩٦)

- (٢) و في كلّ اثنين أسبوعين نقرأ خمسة دروس،
(٤) أمّا الدرس العاشر فنقرأه في الأسبوع الثاني عشر!

ترتيب اعداد اصلي و ترتيبي

گفتار ٥

١٢٥ | عين الصحيح في ترتيب الأعداد:

- (١) تسعة - ثمانية - سبعة - عشرة
(٢) سبعة - ستة - ثمانية - عشرة
(٣) ستة - سبعة - تسعة - عشرة

١٢٦ | عين الصحيح في ترتيب الأعداد:

- (١) سبعة عشر - واحد و عشرون - ثلاثون
(٢) خمسون - تسعون - سبعون
(٣) أربعة عشر - ثلاثة عشر - سبعون
(٤) ثمانية و تسعون - ثلاثة و ثمانون - واحد و تسعون

١٢٧ | عين الصحيح حول ترتيب الأعداد من الأكثر إلى الأقل:

- (١) ثلاث و سبعون - تسعة و سبعون - ثمانية و تسعون
(٢) ثلاث و سبعون - تسعة و سبعون - ثمانية و تسعون
(٣) خمس و أربعون - ثلاثة و خمسون - سبعة و ستين

١٢٨ | ما هو الصحيح للفراغات على الترتيب؟ «..... - ثلاثون - - ثلاثة و سبعون -»

- (١) تسعة و تسعون - واحد و ثلاثون - تسعة و عشرون
(٢) تسعة و عشرون - واحد و ثلاثون - تسعة و ثمانون
(٣) تسعة و ثلاثون - واحد و ثلاثون - ثلاثة و ثلاثون

بچه‌ها همینطوریش از ریاضی نفرت دارن؛ از عربی هم جداگانه نفرت دارن! حالا فرض کنین این دو تا با هم قاطی بشن!! وای چه شود! البته حتمن شنیدین که «منفی» در «منفی» میشه «مثبت»؛ یعنی مبحث راحتی و در حد جمع و تفریق و تقسیم و ضرب در ریاضی هستش که کلاس اول دبستان خوندین! در کل اگه درسنامه را خوب خونده باشین، بهتون قول می‌دم سخت نیست، لااقل برای شما!!

١١٢٩ | عین الضحیح:

- (١) عشرون ریالاً فی خمسة یساوی مئة ریال!
(٣) أحد عشر ریالاً زائد تسعة یساوی سبعة ریالات!
(٢) تسعون ریالاً ناقص عشرين یساوی ستین ریالاً!
(٤) ثمانون ریالاً تقسیم علی عشرين یساوی أربعین ریالاً!

(انسانی ٩٨)

١١٣٠ | عین الضحیح فی العمليات الحسابیة: «سبعة و تسعون ناقص أربعة و عشرين یساوی

- (١) ثلاثة و سبعین (٢) ستة و ثمانین (٣) خمسة و خمسين (٤) خمسة و ستین

١١٣١ | واحد و ثلاثون ناقص ثلاثة عشر یساوی

- (١) «أربعة و ثمانون تقسیم علی واحد و عشرين» + «واحد و خمسين»
(٢) «تسعة فی ستة» + «أحد عشر ناقص خمسة»
(٣) «أربعة و ثلاثون ناقص ثلاثة و عشرين» + «أربعة عشر»
(٤) «سبعة و تسعون ناقص ستة و سبعین» - «ثلاثة»

١١٣٢ | عین الخطأ للفراغات: «..... ناقص أحد عشر یساوی

- (١) سبعة و تسعون - ستة و ثمانین
(٢) ستة و تسعون - خمسة و ستین
(٣) أربعة و ثمانون - ثلاثة و سبعین
(٤) سبعة و خمسون - ستة و أربعین

١١٣٣ | «ثلاثة و ستون, یساوی

- (١) فی - ثلاثة - مئة و تسعة و ثمانین
(٢) زائد - ستة عشر - سبعة و تسعین
(٣) تقسیم علی - واحد و عشرين - ثلاثة
(٤) ناقص - ستة و ثلاثین - سبعة و عشرين

١١٣٤ | عین فی العمليات الحسابیة ما لیست نتیجتها «تسعة و ثلاثین»:

- (١) أربعة عشر زائد ثلاثة و عشرين
(٢) سبعة و تسعون ناقص ثمانية و خمسين
(٣) «واحد و عشرون ضرب فی ثلاثة» ناقص «أربعة و عشرين»
(٤) ثمانية و سبعون تقسیم علی اثنین

١١٣٥ | عین فی العمليات الحسابیة ما نتیجتها «ثلاثة و خمسين»:

- (١) أربعة و ستون ناقص تسعة.
(٢) ثمانية و ثمانون ناقص خمسة و ثلاثین.
(٣) واحد و ثلاثون زائد ثلاثة عشر.
(٤) ثلاثة و ستون ناقص ثمانية و عشرين.

١١٣٦ | عین العمليات الحسابیة التي تختلف نتیجتها عن الباقي:

- (١) ثلاثة و ستون ناقص ستة و ثلاثین.
(٢) تسعة و سبعون ناقص اثنان و خمسين.
(٣) سبعة و تسعون ناقص خمسة و ستین.
(٤) واحد و ثمانون تقسیم علی ثلاثة.

١١٣٧ | عین العمليات الحسابیة التي نتیجتها تساوی نتیجة عملية «واحد و عشرون ضرب فی ثلاثة»:

- (١) سبعة ضرب فی تسعة.
(٢) واحد و ثلاثون زائد ثلاثة عشر.
(٣) ثلاثة و أربعون زائد أحد عشر.
(٤) سبعة و ثمانون ناقص ثلاثة و عشرين.

١١٣٨ | عین الضحیح فی العمليات الحسابیة:

- (١) سبعون ناقص عشرة یساوی ثمانین.
(٢) خمسة و سبعون زائد أربعة و عشرين یساوی سبعة و تسعین.
(٣) مئة تقسیم علی خمسة یساوی عشرين.
(٤) اثنان و ثمانون تقسیم علی اثنین یساوی واحداً و خمسين.

١١٣٩ | عین الضحیح فی العمليات الحسابیة:

- (١) أربعة و أربعون ثلاثة عشر، یساوی سبعة و خمسين: فی
(٢) سبعة و ثلاثون ثلاثة عشر، یساوی خمسين: زائد
(٣) تسعة و تسعون ثلاثة و ثلاثین، یساوی ثلاثة: ناقص
(٤) أربعة عشر خمسة، یساوی سبعین: تقسیم علی

١١٤٠ | عَيْن الصَّحِيح فِي الْعَمَلِيَّاتِ الْحَسَابِيَّةِ:

- (١) سبعة وثمانون زائد أحد عشر يساوي ثمانية و سبعين.
(٢) خمسة و ستون ناقص ثمانية و عشرين يساوي سبعة و ثلاثين.
(٣) مئة و أربعون ناقص أربعة و خمسين يساوي سبعة و تسعين.
(٤) مئة و أربعة و ستون تقسيم على أربعة يساوي اثنان و أربعين.

١١٤١ | عَيْن الخَطَأ فِي الْعَمَلِيَّاتِ الْحَسَابِيَّةِ:

- (١) ثلاثة و عشرون في أربعة يساوي اثنين و تسعين!
(٢) ستة عشر تقسيم على أربعة يساوي أربعة!
(٣) تسعة و سبعون ناقص اثني عشر يساوي سبعة و ستين!
(٤) خمسة و خمسون زائد أحد عشر يساوي خمسة و ستين!

١١٤٢ | عَيْن حاصلاً أكبر للعمليات الحسابية:

- (١) «سبعة و ثمانون زائد إحدى عشرة» + «أربعة عشر ضرب في أربعة»
(٢) «خمسة و ستون ناقص ثمانية» + «ستة و ثمانون ناقص سبعة»
(٣) «اثنان و ثمانون تقسيم على اثنين» + «ستة و سبعون ناقص سبعة و عشرين»
(٤) «تسعون ناقص أربعة و عشرين» + «ثمانية و ستون ناقص سبعة و ثلاثين»

١١٤٣ | عَيْن حاصلاً أصغر للعمليات الحسابية:

- (١) «أربعة عشر في أربعة» + «عشرة في ثلاثة»
(٢) «مئة تقسيم على خمسة» + «ثلاثة و ستون ناقص واحد و عشرين»
(٣) «ستة و ثمانون ناقص سبعة و عشرين» + «اثنان و ثمانون تقسيم على اثنين»
(٤) «خمسة و سبعون ناقص خمسة و عشرين» + «ستون ناقص عشرة»

١١٤٤ | عَيْن الصَّحِيح:

- (١) سبعة و خمسون تقسيم على ثلاثة = ثلاثون ناقص خمسة
(٢) ستون ناقص أحد عشر = سبعة ضرب في سبعة
(٣) خمسة و سبعون زائد خمسة و عشرين = ثلاثون ضرب في ثلاثة
(٤) أربعون ناقص أربعة و ثلاثين = عشرين تقسيم على خمسة

١١٤٥ | ما هو الخطأ للفرغ: «..... يساوي تسعة و سبعين»:

- (١) «تسعة ضرب في سبعة» زائد «ستة عشر»
(٢) «تسعة عشر في خمسة» ناقص «ستة عشر»
(٣) «ستة و ثلاثون زائد تسعة و عشرين» زائد «أربعة عشر»
(٤) «أحد عشر ضرب في ثلاثة» زائد «خمسة و عشرون زائد تسعة عشر»

١١٤٦ | عَيْن الصَّحِيح فِي كِتَابَةِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحَسَابِيَّةِ:

- (١) عشرة في ثلاثة يساوي ثلاثين: $20 \times 3 = 60$
(٢) مئة تقسيم على خمسة يساوي عشرين: $100 \div 5 = 20$
(٣) ستون ناقص عشرة يساوي ثمانين: $70 + 10 = 80$
(٤) تسعون ناقص عشرة يساوي ثمانين: $66 \div 6 = 11$

مسائل رياضية مبحث عدد

گفتار
٧

١١٤٧ | «في حديثي ثلاث عشرة شجرة و في كل شجرة سبعة أثمار» كم عدد الأثمار في هذه الحديقة؟

- (١) ستة و تسعون (٢) واحد و تسعون (٣) ثمانية و سبعون (٤) تسعة و ستون

١١٤٨ | «لهذه المدرسة سبع طبقات و في كل طبقة أحد عشر صفاً» كم صفاً في هذه المدرسة؟

- (١) تسع و تسعون (٢) سبع و ثمانون (٣) تسع و ثمانون (٤) سبع و سبعون

١١٤٩ | «في مدرستنا ثلاثة صفوف و في الصف الأول تسعة و عشرون تلميذاً و في الصف الثاني سبعة عشر تلميذاً و في الصف الثالث ستة و عشرون تلميذاً» كم

تلميذاً في مدرستنا؟

- (١) اثنان و سبعون (٢) مئة و ستة و عشرون (٣) اثنان و أربعون (٤) تسع و ثمانون

١١٥٠ | «كان لحسين ريالاً و دَفَع سبعة و ثلاثين منها إلى زهراء و بقي له ريالاً» عَيْن الصَّحِيح للفرغات:

- (١) تسع و ستون - اثنان و ثلاثون (٢) ستة و تسعون - تسعة و أربعون
(٣) سبعة و ثمانون - أربعة و أربعون (٤) تسع و سبعون - ثمانية و تسعون



۱۵۱ | «في حديقة حسين، أربع وعشرون شجرة وفي كل شجرة عشرة تفاحات؛ ففسد ثمانون في المئة من التفاح.» كم تفاحاً ما فسد؟

(۱) ثمانية عشر (۲) ثمانية وأربعون (۳) أربع و ثلاثون (۴) أربعة و ثمانون

۱۵۲ | «كان لمدربتنا تسعة صفوف وفي كل صف إنا عشر تلميذاً؛ فكسب خمسة وعشرون في المئة منهم نتيجةً رهيبةً.» كم تلميذاً ما كسب نتيجة رهيبة؟

(۱) واحد و ثمانون (۲) سبعة و تسعون (۳) سبعة و عشرون (۴) واحد و تسعون

۱۵۳ | «عدد يضرب في خمسة و حاصله زائد ثلاثة و سبعين، يساوي ثمانية و ثمانين.» ما ذلك العدد؟

(۱) أربعة عشر (۲) خمسة (۳) ثلاثة (۴) تسعة

۱۵۴ | «كان لي أربعة و خمسون ريالاً و أخذت سبعة عشر من حسين و دفعتم تسعة و عشرين منه للطعام.» كم ريالاً بقي لي؟

(۱) ثلاثة و عشرون (۲) ستة و ستون (۳) ثمانية (۴) إثنان و أربعون

۱۵۵ | «كان لأحمد مئة و ستون ريالاً و اشترى أربعة كُتُب و بقي له أربعة و ثمانون ريالاً.» عتِن ثَمَنَ كتاب واحد؟

(۱) تسعة عشر (۲) واحد و عشرون (۳) ثلاثة و ستون (۴) واحد و ستون

۱۵۶ | فاطمة قرأت كتابها في ست ساعات و بقي عشر صفحات من هذا الكتاب، إن للكتاب مئة صفحة؛ كم صفحة قرأت فاطمة في كل ساعة واحدة؟

(۱) ثلاثون (۲) تسعون (۳) خمسة و عشرون (۴) خمسة عشر

ساعت و مسائل مربوط به آن

گفتار
۸

بعضی دوستان شبه روشن فکر! بیان می کنند که ساعت در کنکور مطرح نمی شود! حال سؤال من اینجاس که آقایان!! از کجا اینقدر اطمینان دارند که ساعت در کنکور مطرح نمی شود؟؟؟؟! اما دانش آموزان عزیز بدانید و آگاه باشید که اینها همان هایی هستند که قبل برگزاری کنکور ۹۸ می گفتند (تعریب / ضبط کلمات / تحلیل صرفی / برخی قواعد ...) در کنکور طرح نمی شود، و وقتی مطرح شد، با قیافه ای حق به جانب فرمودند: (ما که گفته بودیم این موارد در کنکور می آید!!!!) در کل بدانید و آگاه باشید که همه مطالب کتاب می تواند در کنکور مطرح شود و هیچ کس نمی تواند حتی کوچکترین موضوعات را در کنکور حذف کند! او این عزیزان حق التالیف خود را می گیرند و این شما هستید که اگر گول این فرمایشات را بخورید، ضرر می کنید!

۱۵۷ | عتِن الصّحیح فی السّاعة:



(۴) الثامنة إلا عشر دقائق



(۳) السادسة و الربع



(۲) الرابعة و عشرون دقيقة



(۱) الثالثة و خمس عشر دقيقة

۱۵۸ | عتِن الخِطأ فی السّاعة:



(۲) الثامنة إلا خمس دقائق



(۱) خمس و عشرون دقيقة بعد العاشرة



(۴) الثانية و خمسة و خمسون دقيقة



(۳) الساعة الثانية عشرة و خمسة و ثلاثون

۱۵۹ | اکتُب الساعات بالأرقام: «الساعة العاشرة و خمسة و عشرون دقيقة - التاسعة إلا ربعاً - السابعة و النصف»

(۲) ۷:۳۰ - ۷:۱۵ - ۹:۵۵

(۱) ۶:۲۰ - ۷:۱۵ - ۱۰:۲۵

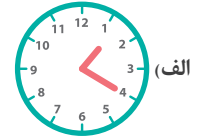
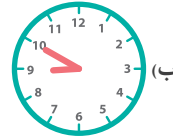
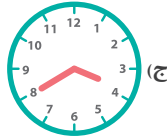
(۴) ۶:۲۰ - ۸:۴۵ - ۹:۵۵

(۳) ۷:۳۰ - ۸:۴۵ - ۱۰:۲۵

١٦٠ | عَيْن الصَّحِيح لبيان الساعات بالحروف: «ديروز ساعت ١١:٢٥ از مدرسه برگشتم و ساعت ٦:٥٠ عصر تکالیفم تمام شد.»

- (١) الثانية عشرة إلا خمساً و عشرين دقيقة - التاسعة إلا عشر دقائق
- (٢) الحادية عشرة و خمسة و ثلاثون دقيقة - السابعة إلا عشر دقائق
- (٣) الواحدة إلا خمساً و عشرين دقيقة - السادسة و خمسون دقيقة
- (٤) الثانية عشرة و خمسة و ثلاثون دقيقة - التاسعة و خمس دقائق

١٦١ | عَيْن الصَّحِيح في الساعات:



- (١) الواحدة و عشرون دقيقة - الثامنة و خمسون دقيقة - الثالثة و أربعون دقيقة
- (٢) الثانية إلا أربعين دقيقة - التاسعة إلا عشر دقائق - الثالثة و أربعون دقيقة
- (٣) الواحدة و عشرون دقيقة - العاشرة و تسع دقائق - الرابعة إلا عشرين دقائق
- (٤) الثانية إلا أربعين دقيقة - السابعة إلا خمس دقائق - الرابعة إلا عشرين دقيقة

١٦٢ | عَيْن الصَّحِيح عن الساعة:

- (١) الساعة السادسة و الربع بعد الساعة السابعة و النصف!
- (٢) الساعة الثامنة و النصف قبل الساعة السابعة!
- (٣) الساعة الرابعة إلا ربعاً تساوي الساعة الثالثة و خمساً و أربعين دقيقة!
- (٤) الساعة التاسعة إلا عشرين دقائق بعد الساعة التاسعة و أربعين!

١٦٣ | الساعة الآن الرابعة و الربع يعني:

- (١) العقربة القصيرة على الرابعة و العقربة الطويلة على الثالثة!
- (٢) العقربة القصيرة على الرابعة و العقربة الطويلة على التاسعة!
- (٣) العقربة القصيرة على الثالثة و العقربة الطويلة على الرابعة!
- (٤) خمسة عشر دقيقة بقيت إلى الساعة الرابعة!

صفت بودن عدد ((تابع))

گفتار
٩

البته ممكن است خيليها بگويند كه اين قسمت در كتابهاى درسى نيست، ولى در متن كتاب و تمرينها و آزمونها به اين مطلب گاهى اشاره مى شود! به هر حال ناچار نيستيد اين قسمت را بخوانيد، ولى من اگر كنكور داشتتم قطعاً مى خواندم! از حل دو تا تست كسى «fail» نميشه!!!

١٦٤ | عَيْن العدد صفة:

(زبان ٨٦)

- (١) أَدَكَزْ في أَعْمَالِكَ اليَوْمِيَّةِ اثْنَيْنِ: الصَّدَق و الوفاء بالعهد!
- (٢) قَدْ مَرَّ بِثَلَاثَةِ دَكَكَيْنِ و إِيخْتَارَ مِنْهَا وَاحِداً فَدَخَلَهُ!
- (٣) إِنَّ أَثْرَ الأَيَادِي المَجْتَمَعَةِ أَكْثَرُ بَقَاءً مِنَ اليَدِ الواحِدَةِ!
- (٤) إِنَّهُ قَدْ بَلَغَ مَقَامَهُ الرِّفِيعَ فِي العَاشِرَةِ مِنْ عَمْرِهِ!

١٦٥ | عَيْن العدد صفة كُله:

(رياضى ٨٦)

- (١) فاز خمسة من التلاميذ في صَفِّينِ اثْنَيْنِ على جائزة!
- (٢) لِكُلِّ أُسْبُوعٍ سَبْعَةَ أَيَّامٍ، و اليَوْمِ السَّابِعِ مِنْهُ يَوْمُ العِطْلَةِ!
- (٣) اسْتَشْهَدَ الإِمَامُ الثَّالِثُ فِي اليَوْمِ العَاشِرِ مِنَ الشَّهْرِ الحَرَامِ!
- (٤) كَانَتْ عِطْلَةُ المَدَارِسِ أَحَدَ عَشَرَ يَوْماً، سَافَرَتْ سِتَّةَ أَيَّامٍ مِنْهَا فَقَط!

۳

ثلاثی
مُجَرَّدٌ وَمَزِيدٌ

شناخت ثلاثی مجرد و مزید

گفتار

پاسخ ۱ در «يَعْمَلُونَ ← عَمَلٌ» هیچ حرف زائدی وجود ندارد و فقط از ۳ حرف اصلی تشکیل شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها

۲ «شَارِكٌ» ثلاثی مزید و از باب «مفاعلة» است.

۳ «يُنْفِقُونَ» باب «إفعال» و دارای حرف زائد است.

۴ «تَعَاوَنٌ ← تَعَاوَنَ» دارای حروف زائد «ت / الف» است و از باب «تفاعل» می‌باشد.

حُبّ حالا یا دونه به دونه باب‌ها را بررسی می‌کنیم که حالشو ببرین و معنیشو بدونین، بشناسینش و بدونین چندتا حرف اضافه داره. بدونین ماضی و مضارع و امرش چیه و ... و بعدش که ۸ تا باب تمام شد، با هم به سری جمع‌بندی‌های خارق‌العاده از باب‌ها داریم. موافقین؟؟؟!

برای بررسی ثلاثی مجرد یا مزید بودن فعل‌ها، باید به صیغه‌های لغائب (مفرد مذکر غایب) آنها نگاه کنیم. اگر صیغه‌های لغائب آنها، فقط از ۳ حرف اصلی تشکیل شده باشد، ثلاثی مجرد است و اگر به جز حروف اصلی، حروف دیگری هم داشته باشد، ثلاثی مزید می‌باشد.

• جَعَلَ / جَعَلُوا ← جَعَلَ / جَعَلْتُمْ ← جَعَلَ / يَجْعَلُنَّ ← جَعَلَ:

۳ حرف اصلی: ثلاثی مجرد

• اسْتَرْجَعُوا ← اسْتَرْجَعُ / يَقْدِمُونَ ← قَدِمَ / تُسَاعِدُونَ ← سَاعَدَ:

۳ حرف اصلی به اضافه حروف اضافه: ثلاثی مزید

تستولوژی

- عَيْنُ فِعَالٍ لِيَسْتَفِيهِ حُرُوفُ زَائِدَةٌ:

۱) الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ!

۲) شَارِكٌ فِي هَذِهِ الْمَسَابِقَةِ عَشْرُونَ لَاعِبًا!

۳) إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ يَنْفِقُونَ مِنْ أَمْوَالِهِمْ!

۴) أَيْتِهَا الْأُمَمَاتُ؛ أَنْتُنَّ تَتَعَاوَنْنَ فِي بِنَاءِ ثِقَافَةِ بِلَادِنَا!

شناخت و تشخیص باب «استفعال»

گفتار

ماضی	مضارع	امر	مصدر
اسْتَفْعَلُ	يَسْتَفْعِلُ	اسْتَفْعِلْ	استفعال
اسْتَقْبَلُ	يَسْتَقْبِلُ	اسْتَقْبِلْ	استقبال
به پیشواز رفت	به پیشواز می‌رود	به پیشواز برو	به پیشواز رفتن

دارای «۳» حرف زائد است و تنها بابی در کتاب شماست که «۳» حرف زائد دارد. این باب دارای بیشترین تعداد حروف زائد است و برای معنی «خواستن» و «طلب» به کار می‌رود.

تستولوژی

- عین العبارة التي ما جاء فيها مزيد ثلاثي من باب «استفعال»:

- ۱) «استكبر هو جنوده في الأرض»
 - ۲) لا يستسلم المؤمن المسلم لمشقات الحياة!
 - ۳) يجب على التلاميذ أن يستمعوا إلى كلام معلّمهم!
 - ۴) استخراج المسلمون مواعظ من آيات المصحف الشّريف!
- پاسخ ۳** ریشه «يستمعوا»، «س / م / ع» است و باب «افتعال» می باشد.

بررسی سایر گزینه ها

- ۱) ریشه «استكبر»، «ك / ب / ر» و باب «استفعال» است.
- ۲) ریشه «يستسلم»، «س / ل / م» و باب «استفعال» است.
- ۴) ریشه «استخرج»، «خ / ر / ج» و باب «استفعال» می باشد.

تشخیص ماضی یا امر باب «استفعال»

در تست های کنکور معمولاً در حالت «ماضی» و «امر»، اعراب فعل را نمی دهند؛ یعنی مثلاً «استقبل» را می دهند و شما باید تشخیص بدهید که این [استقبل: ماضی «استفعال»] یا [استقبل: امر «استفعال»] است که از راه های زیر می توانید تشخیص بدهید:

۱ طرح اعراب (عین الفعل) را داده باشد:

اگر اعراب عین الفعل؛ «فتحه= َ» باشد، ماضی است و اگر «کسره= ِ» باشد؛ امر است.

- إِسْتَقْبَلْ: ماضی «استفعال»: به پیشواز رفت
- إِسْتَقْبِلْ: امر «استفعال»: به پیشواز برو

۲ نشانه های تابلو ماضی داشته باشیم (ضمایر متمم رفعی):

اگر ضمایر رفعی تابلو در انتهای فعل بود، می فهمیم «ماضی» است و «امر» نمی باشد.

امر	ماضی
-	إِسْتَقْبَلْ
-	إِسْتَقْبِلَا
-	إِسْتَقْبِلُوا
-	إِسْتَقْبَلَتْ
-	إِسْتَقْبَلْنَا
-	إِسْتَقْبَلْنَ
إِسْتَقْبِلْ	إِسْتَقْبَلْتُ
إِسْتَقْبِلَا	إِسْتَقْبَلْتُمَا
إِسْتَقْبِلُوا	إِسْتَقْبَلْتُمْ
إِسْتَقْبِلِي	إِسْتَقْبَلْتِ
إِسْتَقْبِلِيَا	إِسْتَقْبَلْتُمَا
إِسْتَقْبِلْنَ	إِسْتَقْبَلْنَهُنَّ
-	إِسْتَقْبَلْتُ
-	إِسْتَقْبَلْنَا

اشتباهات متداول

البته بر طبق جدول قبل، نشانه های «ا»، «وا» و «ن» هم در انتهای «ماضی» و هم در انتهای «امر» دیده می شود، یعنی بین این دو مشترک است، ولی ضمیر «ی» فقط در انتهای «امر» می آید. فعل ماضی باب «استفعال» بر وزن «أَسْتَفْعَلُ» و فعل امر آن بر وزن «أَسْتَفْعِلْ» می آید. ولی چون طراح اعراب انتهای فعل را نمی دهد، باید از راه ترجمه تشخیص دهید.

استخدم المدير أحي!

«استخدم» می تواند ماضی یا امر باشد که با توجه به معنی «مدیر برادرم را استخدام کرد»، «ماضی» است.

هیچ یک از نشانه های بیان شده را نداشته باشیم:

از روی ساختار جمله و ترجمه عبارت می توانید تشخیص بدهید.

تشخیص مضارع

فعل مضارع باب «استفعال»، «يَسْتَفْعِلُ» است و صیغه «۱۳» (متکلم وحده) آن «أَسْتَفْعِلُ» می باشد؛ پس اگر «أ» ابتدای فعل با وزن «استفعال» دیدید، آن فعل «مضارع» است.



تستولوژی

- عین العبارة التي جاء فيها أمر من باب استفعال:

- ۱) استسلم أمّام قول الحق!
- ۲) التلاميذ استمعوا إلى كلام معلّمهم!
- ۳) المدير استخدم معلّماً لتعليم العربية!
- ۴) اللهم أستغفرك لذنوبي إنك تواب!

پاسخ ۱ اینجا «أ» نیست، پس یا «ماضی» یا «امر» می باشد و طراح هیچ نشانه ای نگذاشته، ولی با توجه به معنی امر است: [تسلیم شد / تسلیم شو] در مقابل سخن حق.

بررسی سایر گزینه ها

- ۲) «استمعوا» ماضی باب «افتعال» است.
- ۳) با توجه به معنی: [مدیر، یک معلم را برای آموزش عربی استخدام کرد]، در اینجا «استخدم» ماضی است.
- ۴) ابتدای فعل «أ» داریم و قطعاً مضارع متکلم وحده است.

دارای «۲» حرف زائد است؛ پس تعداد حروف زائد آن با باب‌های «تفاعل»، «تفعّل» و «انفعال» برابر می‌باشد.

ماضی	مضارع	امر	مصدر
إِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	إِفْتَعِلْ	افتعال
إِعْتَذَرَ	يَعْتَذِرُ	إِعْتَذِرْ	اعتذار
معذرت	معذرت	معذرت	معذرت
خواست	می‌خواهد	بخواه	خواستن

تستولوژی

- عین العبارة التي لبس فيها مزيد ثلاثي من باب «افتعال»:

- المعلّّمات يجتمعن في الجلسة لتعيين درجات التلميذات!
- أستمع إلى كلام أبي الحنون وأعمل به!
- الأخلاق الحسنة تشمل على الأحرار!
- استخدم صديقي في المدرسة لتعليم اللّغة العربيّة!

پاسخ ۴ ریشه «استخدم»؛ «خ / د / م» است؛ پس باب «استفعال» می‌باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها

- ریشه «يجتمعن»، «ج / م / ع» و باب «افتعال» است.
- ریشه «أستمع»، «س / م / ع» و باب «افتعال» است.
- ریشه «تشمّل»، «ش / م / ل» و باب «افتعال» است.

تشخیص ماضی و مضارع و امر باب «افتعال»

نکاتی که در باب «استفعال» گفتیم، در اینجا هم حاکم است؛ یعنی مثلاً به شما «اعتذّر» را می‌دهند و شما باید تشخیص دهید که این [إِعْتَذَرَ: ماضی «افتعال»] یا [إِعْتَذِرْ: امر «افتعال»] است که باید دقیقاً از نکات

دارای «۲» حرف زائد است؛ یعنی همانند باب‌های «افتعال»، «تفاعل» و «تفعّل» دارای «۲» حرف زائد می‌باشد و تعداد حروف زائد آنها برابر است و به عبارت دیگر می‌توان گفت تنها معنای این باب «لازم کردن معنای فعل» است.

ماضی	مضارع	امر	مصدر
إِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	إِنْفَعِلْ	انفعال
إِنكسَرَ	يَنْكسِرُ	إِنكسِرْ	انكسار
شکسته شد	شکسته می‌شود	شکسته شو	شکسته شدن

تستولوژی

- عین العبارة التي ماجء فيها فعل مزيد من باب «انفعال»:

- انقلب المسلمون على أعدائهم بعد الثورة الإسلامية!
- الذين لا ينفقون أموالهم في سبيل الله فبشرهم بعذاب أليم!
- إنكسر ضوء الشمس في قطرات الماء الصغيرة!
- يارب! إنهم قوم الكافرين أمام المسلمين!

باب «استفعال» استفاده کنید و اگر هم فعل مضارع متکلم وحده باشد، [أَفْتَعِلْ: مضارع متکلم وحده] است.



تستولوژی

- «استلموا نقودکم من الصندوق و استرجعوا أماناتکم!»؛ عین الصّحیح عن أفعال العبارة:

- استلموا: فعل مضارع - للمتکلم الوحده
- استرجعوا: فعل أمر - للمُخاطَبین
- استلموا: فعل ماضی - للمتکلم الوحده
- استرجعوا: فعل مضارع - للمُخاطَبین

پاسخ ۲ ابتدای «استلموا» و «استرجعوا»؛ «أ» نیست؛ پس «مضارع متکلم وحده» نمی‌باشند و «ماضی» یا «امر» هستند، ولی با توجه به معنی: [پول‌هایتان را به صندوق «دادند/ بدهید» و اماناتتان را [پس گرفتند / پس بگیرید]؛ هر دو «امر» هستند.

پاسخ ۲ ریشه «يَنفَقُونَ»؛ «ن / ف / ق» است پس باب «انفعال» است که جلوتر می‌خوانید.

بررسی سایر گزینه‌ها

- ریشه «انقلب»؛ «ق / ل / ب» است، پس باب «انفعال» می‌باشد.
- ریشه «إنكسر»؛ «ک / س / ر» است و باب «انفعال» می‌باشد.
- ریشه «إنهم»؛ «ه / ز / م» است، پس باب «انفعال» می‌باشد.

تشخیص ماضی، مضارع و امر باب «انفعال»

همانطور که در باب‌های «استفعال» و «افتعال» دیدید، در تست‌های کنکور معمولاً در حالت «ماضی» و «امر» اعراب فعل را نمی‌دهند؛ یعنی مثلاً «انقطع» را می‌دهند و شما باید تشخیص دهید که این [إِنقَطَعَ: ماضی «انفعال»] یا [إِنقَطِعْ: امر «انفعال»] است.

تشخیص مضارع

فعل مضارع باب «انفعال» بر وزن «يَفْعَلُ» می‌باشد و صیغه متکلم وحده آن «أَنْفَعِلُ» است و طراح اعراب آن را می‌گذارد، پس هر گاه «أ» در ابتدای فعل باب «انفعال» دیدید، قطعاً مضارع متکلم وحده است.



اشتباهات متداول

حرف «ن» جزء حروف زائد باب «انفعال» است، این مطلب چند سالی است در کنکور و آزمون‌های آزمایشی مطرح می‌باشد که با تیپ تست‌هایی مثل «عین حرف التّون من الحروف الأصلية للفعل» / «عین حرف التّون ليس من الحروف الأصلية للفعل» مطرح می‌شود که باید دقت کنید حرف «ن» جزء حروف اصلی باب «انفعال» نمی‌باشد.

تست‌نوژی

- عین ما فيه أمرٌ من باب «انفعال»:

(۱) انتشر خبر نجاح أخي في المجتمع!

(۲) إنَّ صديقي انتسب بمقام رفيع في الشركة!

(۳) انقلب على الأفكار السيئة يا زميلي!

(۴) أنهزم على أعدائي في مجال التأليف!

پاسخ ۳ چون ابتدای فعل «أ» دارد می‌تواند ماضی یا امر باشد که با توجه به اینکه «یا زمیلی» مورد خطاب است و ترجمه [ای همشاگردی، بر افکار بد «غلبه کرد / غلبه کن»]، می‌فهمیم که «امر» است.

بررسی سایر گزینه‌ها

(۱) ابتدای فعل «أ» داریم و می‌تواند ماضی یا امر باشد که با توجه به ترجمه [خبر پیروزی برادرم در جامعه «پیچید / بیچ»] می‌فهمیم که «انتشر» ماضی است.

(۲) ابتدای فعل «أ» داریم که می‌تواند ماضی یا امر باشد و با توجه به ترجمه [همانا دوستم به مقامی بالا در شرکت «منصوب شد / منصوب کن»]؛ می‌فهمیم که «انتسب» ماضی است.

(۴) ابتدای فعل «أنهزم»، «أ» دارد، بنابراین مضارع متکلم وحده است.

- عین حرف (نون) ليس من الحروف الأصلية للفعل:

(۱) الناس نيأَمُ فإذا ماتوا انتبهوا!

(۲) الكُتُب انتشرت مع أَقَلِّ الكيفية!

(۳) لأنتهز الفرص في الحياة لأنَّ الحياةَ دقائق و ساعات!

(۴) انفتح الوردُ بعدَ طلوع الشمسِ فصار المَنظرُ جميلاً!

پاسخ ۴

(۱) در «انتبهوا» ریشه فعل «ن / ب / ه» است؛ پس باب «افتعال» می‌باشد و حرف «نون» جزء حروف اصلی فعل است.

(۲) در «انتشر» ریشه فعل «ن / ش / ر» است؛ پس باب «افتعال» می‌باشد و حرف «نون» جزء حروف اصلی فعل است.

(۳) در «أنتهز» ریشه فعل «ن / ه / ز» است؛ پس باب «افتعال» می‌باشد و حرف «نون» جزء حروف اصلی فعل است.

(۴) در «انفتح» ریشه فعل «ف / ت / ح» است؛ پس باب «انفعال» می‌باشد و حرف «نون» جزء حروف اصلی فعل نیست و حرف زائد می‌باشد.

اشتباهات متداول

خیلی از دانش‌آموزان در تشخیص باب‌های «استفعال» و «افتعال» و «انفعال» دچار مشکل می‌شوند. برای تشخیص کافیست ریشه چند فعل مهم را بلد باشید و بعد تشخیص دهید. این روش به شما در تشخیص خیلی کمک می‌کند.

فعل	ریشه	باب
إستقبل	ق / ب / ل	استفعال
إنتظر	ن / ظ / ر	افتعال
إنبعث	ب / ع / ث	انفعال
إنتصر	ن / ص / ر	افتعال
إنتشر	ن / ش / ر	افتعال
إجتنب	ج / ن / ب	افتعال
إحترق	ح / ر / ق	افتعال
إنتقد	ن / ق / د	افتعال
إنقطع	ق / ط / ع	انفعال
إنتبه	ن / ب / ه	افتعال
إنهزم	ه / ز / م	انفعال
إنقطع	ق / ط / ع	انفعال
إنتخب	ن / خ / ب	افتعال
إنتفع	ن / ف / ع	افتعال
إستغفر	غ / ف / ر	استفعال
إسترق	س / ر / ق	افتعال
إستمع	س / م / ع	افتعال
إستكبر	ك / ب / ر	استفعال
إستلم	س / ل / م	افتعال
إشتغل	ش / غ / ل	افتعال
إنقطع	ق / ط / ع	انفعال
إقترن	ق / ر / ن	افتعال
إختلف	خ / ل / ف	افتعال
إستتر	س / ت / ر	افتعال



پاسخ ۳ ریشه «انتقمنا»، «ن / ق / م» است؛ پس باب «افتعال» می باشد. ریشه «استعبد»، «ع / ب / د» است؛ پس باب «استفعال» می باشد. ریشه «تجتهد»، «ج / ه / د» است؛ پس باب «افتعال» می باشد.

- عین حرف «س» من الحروف الأصلية للفعل:

- ۱) «استکبر هو و جنوده في الأرض بغير الحق»
- ۲) استعبدتم الناس و قد ولدتكم أمهاتكم احراراً!
- ۳) العلماء النويون الذين استشهدوا هم رموز الاستقامة!
- ۴) هل استمعتم صوت الأذان من المسجد؟!

پاسخ ۴ حروف اصلی فعل «استمعتم»؛ «س / م / ع» است؛ پس باب «افتعال» می باشد. در نتیجه «س» جزء حروف اصلی آن است.

بررسی سایر گزینه ها

۱) ریشه «استکبر»، «ک / ب / ر» است و باب «استفعال» می باشد؛ لذا حرف «س» جزء حروف زائد باب «استفعال» است نه از حروف اصلی فعل.

۲) ریشه «استعبدتم»، «ع / ب / د» است؛ پس باب «استفعال» می باشد. حرف «س» جزء حروف زائد باب «استفعال» می باشد نه از حروف اصلی فعل.

۳) ریشه «استشهدوا»، «ش / ه / د» می باشد؛ پس باب «استفعال» است؛ و حرف «س» جزء حروف زائد باب «استفعال» می باشد نه از حروف اصلی.

اشتباهات متداول

هر فعلی حرف «س» را داشت، باب «استفعال» نگیرید؛ چون خیلی بچه ها این نکته را اشتباه می کنند. در اینجا چند مثال برای شما می آورم:

- استَمَعَ ← ریشه «س / م / ع» ← افتعال
- استَوَى ← ریشه «س / و / ی» ← افتعال
- استَتَرَ ← ریشه «س / ت / ر» ← افتعال
- استَرَقَ ← ریشه «س / ر / ق» ← افتعال
- استَقَى ← ریشه «س / ق / ی» ← افتعال
- استَلَمَ ← ریشه «س / ل / م» ← افتعال

اشتباهات متداول

هر فعلی حرف دومش «ن» بود را باب «انفعال» نگیرید؛ ممکن است حرف «ن» جزء حروف اصلی فعل باشد و در نتیجه از باب «افتعال» باشد؛ به مثال های زیر توجه کنید:

- انتَشَرَ ← ریشه «ن / ش / ر» ← افتعال
- انتَقَمَ ← ریشه «ن / ق / م» ← افتعال
- انتَقَلَ ← ریشه «ن / ق / ل» ← افتعال
- انتَزَعَ ← ریشه «ن / ز / ع» ← افتعال
- انتَقَدَ ← ریشه «ن / ق / د» ← افتعال

تستولوزی

- ما هي الأبواب الصحيحة للأفعال التالية: (انتقمنا - استعبد - تجتهد)

- ۱) افتعال - افتعال - انفعال
- ۲) انفعال - استفعال - افتعال
- ۳) انفعال - استفعال - افتعال
- ۴) انفعال - افتعال - انفعال

شناسایی و تشخیص باب های «تفعیل» و «تفعل» و تشخیص آنها از یکدیگر

تشخیص «تفعیل» و «تفعل»

① «ت» و «دو» حرف مضارع

هر فعلی که «ت» و «دو» حرف مضارع یعنی «تَدَّ»، «أَدَّ»، «نَدَّ» و «تَدَّ» داشت، به شرطی که «ت» دوم جزء حروف اصلی فعل نباشد؛ این فعل از باب «تفعل» است و مسلماً «مضارع» می باشد.

• نَتَقَدَّمُ: باب «تفعل»
③ حرف مضارع

• يَتَقَدَّمُ: باب «تفعل»
④ حرف مضارع

② «ت» و «یک» حرف مضارع «ی / ا / ن»

هر فعلی که «ت» و «یک» حرف مضارع داشت؛ یعنی «ی»، «ن»، «أ» و «ت»، اگر آن حرف مضارع «ی»، «أ» و «ن» باشد؛ معمولاً «مضارع» از باب «تفعیل» است.

• بَقَدَّمُ: باب «تفعیل»
① حرف مضارع

• نَقَدَّمُ: باب «تفعیل»
② حرف مضارع

باب «تفعیل» دارای یک حرف زائد است و مانند باب «افعال» برای متعدی کردن فعل ها یا به اصطلاح «تعدیه» به کار می رود، اما باب «تفعل» دارای دو حرف زائد است و کاربرد آن «اثرپذیری» می باشد.

ماضی	مضارع	امر	مصدر
فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	فَعِّلْ	تَفْعِيلٌ
فَرَّحَ	يُفَرِّحُ	فَرِّحْ	تَفْرِيحٌ
شاد کرد	شاد می کند	شاد کن	شاد کردن
نَفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	نَفَعِلْ	نَفْعَلٌ
تَفَكَّرَ	يَتَفَكَّرُ	تَفَكَّرْ	تَفَكُّرٌ
اندیشید	می اندیشد	بیاندیش	اندیشیدن

نکته | در باب «تفعل»، ماضی آن «نَفَعَلَ» است؛ یعنی با اینکه ابتدایش «ت» دارد، ولی «مضارع» نیست، بلکه «ماضی» می باشد.

تفعل [یا تَفَعَّلَ]: مضارع للمخاطبات تفعیل] باشد که باید از ساختار جمله و شرایط تشخیص بدهید.

أيتها التلميذات! تعلّمن العلوم النّافعة!
در اینجا با توجه به معنی [ای دانش‌آموزان، علوم مفید را (یاد گرفتند / یاد بگیرید / یاد می‌گیرید)]، «تَعَلَّمْنَ: امر باب تَفَعَّلَ» داریم.
التلميذات تعلّمن العلوم النّافعة!
در اینجا با توجه به معنی: [دانش‌آموزان علوم مفید را (یاد گرفتند / یاد بگیرید / یاد می‌گیرید)]، «تَفَعَّلَ: ماضی تَفَعَّلَ» داریم.
أيتها التلميذات هل تعلّمن العلوم النّافعة؟!
در اینجا چون «أيتها التلميذات» مورد خطاب قرار گرفته و جمله حالت «سؤالی» دارد، یعنی «امری» نیست، پس «تَفَعَّلْنَ: مضارع تفعیل» است.

تشابهات ماضی و امر در فعل‌های (ت) دار که ابتدای آن‌ها (ت) است:

فعل‌های امر و ماضی در باب «تَفَعَّلَ» کاملاً شبیه به هم هستند و حتی علامت «عین‌الفعل» آن‌ها هم یکی است. تنها در صیغه «هو: ماضی» و «أنت: امر» از علامت انتهایی فعل می‌توان تشخیص داد و آن را هم که طراح نمی‌دهد؛ پس باید از ساختار و معنی جمله تشخیص دهید. مشابهت بین امر و ماضی فقط در صیغه‌های زیر رخ می‌دهد:

هما (ماضی) [تَفَعَّلَا] هم (ماضی) [تَفَعَّلُوا]
 أنتما (امر) أنتما (امر)

هِنَّ (ماضی) [تَفَعَّلْنَ]
 أنتنَّ (امر)

هو (ماضی): تَفَعَّلَ] خوشحال نشوید، طراح این اعراب را نمی‌دهد!!
 أنت (امر): تَفَعَّلَ]

تَعَلَّمُوا اللّغة العربيّة فهي لغة القرآن!
در اینجا با توجه به نکات بالا «تَعَلَّمُوا» می‌تواند برای ماضی یا امر باشد که با توجه به معنی [«فراگرفتند / فرا بگیرید»] زبان عربی را؛ چرا که زبان قرآن است] امر می‌باشد.
هؤلاء الطّالبات تَحَرَّجْنَ من الجامعة في السّنة الماضيّة!
در اینجا «تَحَرَّجْنَ» می‌تواند ماضی یا امر باشد که با توجه به معنی [این دانش‌آموزان پارسال از دانشگاه «فارغ‌التحصیل شدند / فارغ‌التحصیل شوید»]، در اینجا ماضی است.

نکته | همانطور که خدمت شما عرض کردم، چون در ماضی و امر باب «تَفَعَّلَ» علامت ابتدا و عین‌الفعل یکی است، راهی جز معنا و توجه به ساختار جمله برای تشخیص ماضی یا امر بودن ندارید، اما برای تشخیص ساختارهایی مثل تَفَعَّلَ و تَفَعَّلْنَ اگر طراح لطف کرده باشد اعراب را داده باشد، می‌توانید از موارد صفحه بعد کمک بگیرید:

اشتباهات متداول

البته برخی فعل‌ها با وجود اینکه تشدید دارند، ولی باب «تَفَعَّلَ / تفعیل» نیستند؛ به طور مثال فعل‌های بروزن «فَعَّلَ / أَفَعَّلَ / يَفَعِّلُ / تَفَعَّلُ / نَفَعَّلُ» باب «إفعال» یا ثلاثی مجرد هستند، لذا دقت کنید برخلاف «فَعَّلَ» که باب «تفعیل» است، روی لام‌الفعلشان تشدید دارند.

- يَجْبُونَ ← يُجِيبُونَ ← إفعال
- تَطْنُونَ ← تَظَنُّونَ ← ثلاثی مجرد
- أَهَمُّ ← أَهَمَّ ← إفعال

«ت» و «یک» حرف مضارع (ت)

اگر «ت» و «یک» حرف مضارع داشتیم که آن حرف مضارع «ت» بود، شرایط سخت می‌شود! ابتدا به جدول زیر توجه کنید تا نکات رو کامل بگم براتون:

ضمیر	مضارع (تفعیل)	ماضی (تفعل)	امر (تفعل)
هو	-	تَفَعَّلَ	-
هما	-	تَفَعَّلَا	-
هم	-	تَفَعَّلُوا	-
هي	تَفَعَّلُ	تَفَعَّلَتْ	-
هما	-	تَفَعَّلَتَا	-
هِنَّ	-	تَفَعَّلْنَ	-
أنت	تَفَعَّلُ	-	تَفَعَّلْ
أنتما	تُفَعَّلَانِ	-	تَفَعَّلَا
أنتم	تُفَعَّلُونَ	-	تَفَعَّلُوا
أنتِ	تُفَعَّلِينَ	-	تَفَعَّلِي
أنتما	تُفَعَّلَانِ	-	تَفَعَّلَا
أنتنَّ	تُفَعَّلْنَ	-	تَفَعَّلْنَ

اگر ساختار «ت» و تک حرف مضارع که «ت» باشد را دیدید، سعی کنید ابتدا از نکات تابلو!! به باب پی ببرید، اکنون نکات را برای شما بیان می‌کنم:

❶ اگر انتهای فعل، نشانه‌های «ت» و «تا» دیدید، قطعاً فعل ماضی تَفَعَّلَ است. ← تقدّمَت / تقدّمَتَا

❷ اگر نشانه‌های «ان» و «ون» و «ین» را انتهای فعل دیدید، قطعاً فعل مضارع تفعیل است. ← تُقَدِّمَانِ / تُقَدِّمُونَ / تُقَدِّمِينَ

❸ اگر در انتهای فعل، نشانه «ی» دیدید، قطعاً امر تَفَعَّلْ است. ← تقدّمی

تشابهات ماضی و مضارع و امر در فعل‌های (ت) دار که ابتدای آن‌ها (ت) است:

اگر ساختاری مثل تَفَعَّلَ دیدید، طبق جدول بالا می‌تواند [تَفَعَّلَ: ماضی للغائب تَفَعَّلَ] یا [تَفَعَّلَ: امر للمخاطب تَفَعَّلْ] یا [تَفَعَّلَ: مضارع للمخاطب تفعیل / مضارع للغائب تفعیل] باشد، یا اگر ساختاری مثل تَفَعَّلْنَ دیدید هم می‌تواند [تَفَعَّلْنَ: ماضی للغائبات تَفَعَّلْنَ] یا [تَفَعَّلْنَ: امر للمخاطبات